

## حکمرانی و گفتگو در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا(ع) و بازنمایی آن در دوره انقلاب اسلامی توسط امام خمینی(ره)<sup>۱</sup>

روح‌الله صفریان گرمه‌خانی

### چکیده:

در نظام اسلامی نوعی حکمرانی وجود دارد که ساختار آن از عناصری همانند توحید، امام و دولت (خلافت) و مردم سازماندهی شده که هدفش رساندن جامعه به سعادت دنیوی و مردمی است. اما حفظ ساختار، ماهیت و رسیدن به هدف در این نظام حکمرانی با گفتگو و همکاری بین اجزای آن حاصل می‌شود.

تمامی ائمه معصوم و خاصه امام رضا(ع) حتی قبل از ولایتعهدی با توجه به الگوگیری از پیامبر اکرم و امام علی(ع) برای سعادت جامعه اسلامی در پی برقراری سازه‌های نظام حکمرانی اسلامی بودند که در این قالب امام رضا(ع) نوعی از نظام حکمرانی را از طریق گفتگو در تمامی لایه‌های اجتماعی برقرار می‌کند. امام خمینی(ره) هم با همین الگو و با توجه به شرایط اجتماعی این ساختار حکمرانی در دوره انقلاب اسلامی را بازنمایی کردند. بنابراین سوال این مقاله اینست که در سیره و اندیشه امام رضا(ع) و امام خمینی(ره) حکمرانی مطلوب چگونه شکل می‌گیرد؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که امام رضا(ع) نوعی حکمرانی از طریق گفتگو امام - دولت، امام - مردم، امام - نظام بین الملل و مردم - مردم برپایه توحید در نظر داشتند و در دوره انقلاب اسلامی هم امام خمینی(ره) با توجه به شرایط روز و در ساختاری پیچیده تر آن را بازنمایی کردند. بنابراین این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی نظام حکمرانی و گفتگو برآمده از آن در ساحت اجتماعی در سیره و اندیشه امام رضا(ع) و همچنین بازنمایی آن توسط امام خمینی(ره) در دوره انقلاب اسلامی می‌پردازد.

### کلیدواژه‌ها:

حکمرانی، گفتگو، توحید، امام، دولت، مردم

پس از منازعات و دوگانگی مطرح شده در مورد اولویت نقش دولت یا جامعه در توسعه در دوره های مختلف و با تغییر و تحول فکری و فنی در عرصه جهانی از یک طرف و تجارب ناموفق جهانی در غالب شدن هر کدام از آنها از طرف دیگر، موازنه سازی بین این دو دیدگاه مطرح می شود و چارچوب مدیریت توسعه در قالبی اجتماعی و بانقش همه نیروهای اجتماعی شکل می گیرد، چنانکه بر رویکردی تاکید می شود هم دولت قوی و راهبر و هم نهادهای فراگیر اجتماعی در ساختارش جای داده باشد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بر مبنای این همسانی دولت و جامعه و نقش همزمان آنها در راهبری توسعه، نظام حکمرانی و به دنبال آن نهادهای بین المللی مقوله حکمرانی خوب مطرح می کنند.

در نظام حکمرانی فرآیند تصمیم سازی در فضای اجتماعی و ساختاری انجام می شود که در شکل دادن به سیاست ها و استراتژی های -کلی همه نیروها با هم مشارکت و تعامل دارند (Guga, 2015: 8). البته این مشارکت و تعامل از طریق شبکه ها و انجمن ها صورت می گیرد و به نوعی محصول نظام حکمرانی جامعه همکار و دولت کارآمد است. در این نظام اگرچه تنوعات و پیچیدگی ها فراوان است، اما از طریق ساختارها و سنت های پیش بینی شده تعامل، گفتگو و مذاکره صورت می گیرد و در نهایت هم توافق برای طراحی راهبردها در مسیر اهداف پیش بینی شده شکل پیدا می کند.

همانطور که گفته شد حکمرانی اگرچه اصطلاحی جدید و همراه با تحولات جدید است، اما دارای ریشه و قدمتی طولانی و مربوط به قرون وسطی است. بر این اساس با توجه به ماهیت اجتماعی دین اسلام و هدف آن در راهبری جامعه به سوی سعادت دنیوی و اخروی می -توان نوعی نظام حکمرانی را از آن استنتاج کرد که دارای بازیگران گوناگون است و ساختار و ماهیت این نظام و هدف مورد اشاره آن در یک ساحت اجتماعی و با تعامل بین بازیگران اصلی آن که عبارتند از امام، دولت و مردم بر مدار توحید بدست می آید. به نوعی برقراری این نظام برای پیامبران و ائمه حتی در دورانی هم که قدرت سیاسی در دست نداشتند مهمترین راهبرد بوده است و البته با استقرار حکومت اسلامی، سازه های این حکمرانی بروز عینی پیدا می کنند. در دوره امام رضا (ع) با توجه به شرایط جامعه در پیشرفت فلسفی و فکری و نیز انواع انحرافات، امام رضا (ع) برای ایجاد جامعه ای توحید محور و از بین بردن انحرافات چه قبل و چه در دوره پس از ولایتعهدی به نوعی حکمرانی می اندیشیدند که بنیان آن با گفتگو و همکاری اجتماعی شکل می گیرد، حتی مناظراتی که امام با مکاتب و فرقه های منحرفی داشتند در غایت به چنین سرانجامی می رسید و از حالت تعارضی و تقابلی دوری می جوید. اما در دوره انقلاب اسلامی و پس از آن امام خمینی (ره) با الگوگیری از همین زمینه و با نگاه به شرایط اجتماعی و در ساختاری پیچیده تر این نوع حکمرانی را بازنمایی کردند.

بنابراین مسئله اصلی این تحقیق اینست؛ حکمرانی مورد نظر در اندیشه و سیره امام رضا (ع) و به دنبال آن امام خمینی (ره) در دوره انقلاب اسلامی چگونه شکل می گیرد؟ فرضیه این مقاله بر این پایه استوار است که حکمرانی در سیره و اندیشه امام رضا (ع) بر مبنای گفتگو بین امام-دولت، امام-جامعه، امام-نظام بین الملل، مردم-مردم است که امام خمینی (ره) با توجه به تحولات جهانی آن را بازنمایی می کنند. بنابراین این مقاله با رویکردی تحلیلی و توصیفی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه ای بدنبال بررسی ساختار کلی نظام حکمرانی

در اندیشه اسلامی و خاصه امام رضا(ع) و نیز جامعه گفتگو محور آن و همچنین بازنمایی آن در شرایط جدید و در دوره انقلاب اسلامی توسط امام خمینی(ره) است.

## ۱- چارچوب نظری:

در این قسمت در مورد مفهوم، ماهیت و معنای حکمرانی و رابطه آن با گفتگو صحبت می شود. حکمرانی عموماً فراتر از دولت و بخش های خارج از آن را در بر می گیرد. در حقیقت ماهیت و ساخت حکمرانی تعامل، گفتگو و همکاری میان دولت و تمام نیروهای اجتماعی است که در این قسمت به آن پرداخته می شود.

## الف: حکمرانی:

واژه حکمرانی ترجمه ای از واژه یونانی کوبرنا به معنای سکاندار قایق یا کشتی بود که ظاهراً اولین بار به عنوان استعاره توسط افلاطون به مفهوم رهبری به کار رفت. افلاطون این واژه را به منظور تبیین کم و کیف یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی معنای راندن، حکمرانی کردن یا رهبری را به خود گرفت (سلطانی، ۱۳۹۶: ۸۲). بر این اساس حکمرانی به مثابه عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت تلقی می شود. اما در عصر جدید نهادهای تخصصی و مشورتی سازمان ملل متحد حکمرانی را «مجموعه اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترک امور و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد، که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت کرده و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» تعریف می کنند (UN-HABITAT, 2002:5).

براین پایه حکمرانی در حقیقت تعامل میان ساختار، فرآیند و سنت که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumptre, 1999:3). جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش های غیرحکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010:4).

می توان گفت موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم گیری، تصمیم گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام بدست آورد (Sapru, 2006:308). حکمرانی غالباً بر ماهیت متکثر قدرت و تکثیر آن میان سطوح دولتی و فرودولتی، تشویق و ترغیب تمرکز زدایی از دولت و اتکای روزافزون بر اشکال گوناگون مشورت و مشارکت شهروندان تکیه دارد. در این معنا حکمرانی از رهگذر نگرشی جدید و متفاوت به مسئله محدود ساختن قدرت سنتی و ایجاد تغییر در آن برای نیل به مدل های متنوع تصمیم گیری جمعی می پردازد. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که ناکارآمدی نسبی دولت ها در انجام یک جانبه امور موجب ایجاد و بسط این مفهوم شده است. بنابراین با جداسازی میان بخش های مختلف دولت و نیز ایجاد تمایز میان بخش خصوصی و بخش دولتی و بخش دولتی و جامعه مدنی از سوی دیگر سعی در تغییر ساختار سنتی و عمودی قدرت شده و نقش و تأثیر گذاری نهادهای موازی دولت در سیاست گذاری ها و تصمیم گیری ها افزایش پیدا کرده است.

بر این اساس در نظام حکمرانی قدرت مشروع از طریق مشارکت، گفتگو و مناظره نهادها و نیروهای متنوع در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و گاه جهانی بدست می آید (UN-HABITAT, 2002:6-7). بنابراین حکمرانی اگرچه صورتی سیاسی دارد اما ماهیتی اجتماعی و در تعامل و گفتگو بدست می آید.

## ب: حکمرانی و گفتگو:

گفتگو خارج از تمام موضوعات در زندگی روزمره انسان ها و جامعه کاربرد دارد و ارتباطات بر اساس آن شکل می گیرد، بنابراین به عنوان مقوله اجتماعی و جامعه شناختی تعبیر می شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۲۲). گفتگو بایاری خرد اراده خام مردم را به اراده جمعی و یگانه شده تبدیل می کند (بوردو، ۱۳۷۸: ۲۱۱).

از این جهت مقوله گفتگو و حکمرانی از دیرباز وجود داشته است، چنانکه سوفیست ها عموماً از طریق مغالطه و گفتگو با طرف های مقابل هدف خود را به کرسی نشانده و حکمرانی می کردند (عالم، ۱۳۸۶: ۳۵). در دولت - شهرهای یونان باستان با مشارکت و گفتگوی سراسری تصمیمات اتخاذ می شد. فیلسوفان کلاسیک همانند سقراط و افلاطون هم برای ارائه حقیقت و بیان فضیلت از گفتگو و مناظره استفاده کردند. در عصر جدید و در اندیشه قراردادگرایان هم اصل قرارداد اجتماعی و خارج شدن از وضع طبیعی از طریق گفتگو انجام می - گرفت. حتی عدالت رالز هم از طریق گفتگو به ثمر می رسید. نظریه گفتمان هم در حقیقت با تسلط یک نظام گفتمانی به گفتگو آن گفتمان با جامعه می پردازد.

یکی از نهادهای اصلی که رابطه حکمرانی و گفتگو را باهم نشان می دهد جامعه مدنی است که در حقیقت تمایلات خودخواهانه افراد از طریق اصناف، مجامع، انجمن ها و احزاب اعمال می شود و این نهادها و دولت هستند که باهم تعامل و گفتگو دارند. هگل ارتباط و گفتگو خانواده، جامعه مدنی و دولت مطرح می کند. مارکس هم به نوعی جامعه مدنی را عرصه ای می داند که در آن طبقه بورژوازی تسلط پیدا کرده است و بر جامعه حکمرانی می کند. آلکسی دوتوکویل هم معتقد است که از طریق نهادهای واسط در جامعه مدنی که دولت با مردم و بخش غیردولتی گفتگو و تعامل دارد (عطار، ۱۳۸۸، ۱۳۴).

از نظر هانا آرنه هم عرصه عمومی الگویی از گفتگوی آزاد تعاملی میان شهروندانی است که به طور آزاد، آرای خود را مبادله می - کنند (منوچهری، ۱۳۹۸: ۱۶۸). هابرماس هم همراه با مکتب فرانکفورت به نقد پوزیتیویسم پرداخته و ابطال گرایی هم مورد نقد قرار داده است. مفاهیم کلیدی هابرماس کنش ارتباطی، عقلانیت ارتباطی، زیست جهان و اخلاق گفتاری است. از نظر هابرماس کنش ارتباطی نوع خاصی از واکنش اجتماعی است که کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجتماعی که محصول ارتباط و مفاهیم است هماهنگ کنند و اساساتلاش برای نیل به توافق بر استفاده طبیعی ما از زبان متکی است. هابرماس عقلانیت ارتباطی را عقلانیتی رهایی بخش می داند که تنها از طریق تفاهم و ارتباط و آزاد شدن پتانسیل عقل بدست می آید و سلامت جامعه در گرو گسترش توانایی تفاهم می داند (شویدلر، ۱۳۷۹: ۲۴).

اما تحولات فکری و فنی ناشی از روند جهانی شدن عرصه برای تعاملات و گفتگو بین بخش های گوناگون گشوده است و نوعی تمرکززدایی در تمام امور شکل داده است، در این دوره ارتباطات و گفتگوها به صورت شبکه ای از نهادها، انجمن ها و فرآیندها در سطح ملی و جهانی و بطور همه جانبه شکل می گیرد (بور، ۱۳۹۷: ۲۳). این ارتباطات نهادی در سطوح مختلف دولت - دولت، دولت - جامعه، دولت - نظام بین الملل و جامعه - نظام بین الملل شکل می گیرد. براین اساس در یک جامعه آزاد و منطقی ماهیت حکمرانی در غالب گفتگوی انتقادی و عقلانی همواره و به شکل سراسری جریان دارد و ترتیبات سیاسی و راهبری نظام حکمرانی بر اساس گفتگوی عقلانی، درک متقابل، اجماع فرهنگی و حتی توافق پیرامون موارد خاص ایجاد می شود و شرایط زندگی بشر از طریق کنش جمعی بهبود می یابد (Binder, 1998: 1). بدین ترتیب نقش سیاست و دولت در این چارچوب تسهیل و سازماندهی جامعه به نحوی است که منابع و امکانات بهینه تخصیص داده شده باشد و بی طرفانه مکانیزم های حل منازعه را برقرار و صلح و مسالمت و گفتگو به صورتی مولد و سازنده بین افراد و اقشار مختلف جامعه ایجاد و از آن محافظت و پاسداری کنند (موثقی، ۱۳۸۶: ۲۲۲). بنابراین در حکمرانی عصر جدید

سیاستگذاری از طریق تعامل و گفتگو انجام می پذیرد و حکومت ها به نحو روزافزون به همکاری با بازیگران خارج از کنترل سلسله مراتبی شان وابسته می شوند و یک الگوی نسبتاً پایدار سیاستگذاری و هماهنگی بوجود می آورد (Kazantsev, 2012: 310).

در این مقاله با این پیشفرض اساسی به بررسی رویکرد حکمرانی و گفتگو در اسلام و سیره و اندیشه امام رضا (ع) پرداخته شده است: ۱- دین اسلام ماهیتی اجتماعی و همه جانبه دارد و اصولاً قوام و پایداری اجزای نظام حکمرانی در اسلام و همچنین هدف کلی این نظام از طریق گفتگو حاصل می شود. ۲- باتوجه به همین ماهیت، دین اسلام رویکردی جهانی و فراسرزمینی دارد و در دوره ها و همه شرایط به این ابعاد توجه شده است. بنابراین گفتگو در ذات نظام حکمرانی اسلام قرار دارد و بدون آن اساساً منطق و مبنای اولیه آن شکل نمی گیرد که در قسمت بعدی بیشتر به آن پرداخته می شود.

## ۲- گفتگو در ذات نظام حکمرانی اسلام:

باتوجه به مختصات نظام حکمرانی در دین اسلام و هدف اصلی آن دارای دو بخش اصلی؛ حکومت و مردم و تعامل و همکاری بین این دو بخش می باشد. اجزا و ویژگی های این نظام هم به نوعی موبد این موضوع می باشد. اساس حرکت و اقدام پیامبر از آغاز بعثت گفت و گو بود. حضرت دعوت خویش را با گفتگو و استدلال آغاز کرد و در برخورد با دشمنان حکومت و دین اسلام هم همین رویه را در پیش گرفتند (علیخانی، ۱۳۹۰: ۳۳).

قرآن کریم بر ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر تأکید می کند (نساء، آیه: ۸۳). این حکومت که از نظر قرآن و دین اسلام وظیفه خطیر هدایت بشر بسوی سعادت و قرب الهی را بر عهده دارد می بایستی شایسته ترین و صالح ترین نوع باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸). چنانکه در مذهب شیعه امامت منصبی الهی می باشد که امام از طریق الهام با خداوند در ارتباط است. امام از نظر شیعه عادل ترین و عالم ترین فرد که زعامت جامعه اسلامی را بر عهده دارد و مردم به مسیر سعادت هدایت می کند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). بدیهی است که این هدایت و دعوت با گفتگوی دوجانبه انجام می گیرد و در مسیر هدایت نظام حکمرانی اسلامی در فرآیندهای مدیریتی و اجتماعی و برای برقرار کردن تعامل و گفتگو صحیح، عدالت (توزیعی، استحقاقی و اعتدالی)، امنیت و همبستگی به عنوان مهمترین وجه در نظر می گیرد و در چارچوب قانون و احکام اسلامی حرکت می کند (محمدی ضیاء و لک زایی، ۱۳۹۸: ۱۵۷). از طرفی دیگر در این تعامل در عین اینکه مردم مسئول هستند ولی مسئولیت حکومت باتوجه به وظیفه و هدف آن مهمتر است. بنابراین حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر بزرگترین حق در میان حقوق الهی است. امر به معروف و نهی از منکر مهم ترین عامل پیوندی دولت و مردم و به نوعی می تواند تأمین کننده حقوق مردم و رهبر باشد و وسیله ای برای هدایت و کنش سیاسی و اجتماعی دو طرف می باشد. به عبارتی در نظام حکمرانی اسلامی جرح و تعدیل دوسویه وجود دارد و بر این مبنا راهبری در منطق و اصول خاصی انجام می گیرد.

نظام حکمرانی اسلامی از اصل شفافیت هم برخوردار است که مردم را از برنامه ها و تصمیمات کلان آگاه می سازد و با آنها گفتگو و مشورت های لازم در مقاطع مختلف و ضروری صورت می گیرد و از آنها برای امور گوناگون کمک و همراهی خواسته می شود. چنانکه پیامبر و حضرت علی (ع) در موارد متعدد و مقاطع مختلف به چنین سیاستی اقدام نمودند. در این جهت و در قالبی کلی و در رفتار و برخورد با مردم نظام حکمرانی اسلامی هم عادلانه برخورد می کند. اسلام بانفی تمام تبعیض های نژادی، قومی، زبان و ...، مسلمانان را برادر یکدیگر دانسته و تفاوت افراد را در میزان تقوا می آنها می داند (مالک، ۱۳۸۴: ۶۵).

اما در ارتباط باخارج از نواحی و سرزمین های اسلامی در دوران صدر اسلام هم گفتگو برای هدایت به سوی دین اسلام برقرار می - شود، چنانکه پیامبر اسلام دعوتنامه هایی به سوی کشورهای مختلف برای چنین امری می فرستادند و از همان ابتدا پیامبر سعی داشت دین اسلام را جهانی کنند و با این دین باتمام عالم آن روزگار ارتباط برقرار کنند. امام علی(ع) در ارتباط با دشمنان و همچنین نواحی خارج از اسلام بیشتر در پی گفتگو و تعامل بودند.

با توجه به این خصوصیات و ماهیت می توان گفت اسلام مبنای خود را بر هدایت انسان بسوی سعادت گذاشته است و این اصل هم تنها در قالب تشکیل حکومت اسلامی قابل تحقق می داند. حکومت اسلامی هم با ماهیت و ساختار خاص خود و آن هم تنها در ارتباطی دوجانبه و گفتگو محور بین حکومت و مردم این هدف اصیل را عملیاتی می کند. البته اگر شرایط برای برقراری حکومت اسلامی فراهم نشود این سازه و هدف از بین نخواهد رفت، در این حالت اگرچه بخش سیاسی این سازه شکل نگرفته است، اما بخش اجتماعی آن و کنش امام در این فضا هم برای ایجاد شرایطی برای تشکیل حکومت اسلامی و هم برای تحقق هدف و گفتگو همه جانبه با مردم برقرار است. این برآیند را می توان هم در دوره امام رضا(ع) و هم در دوره امام خمینی(ره) در فضای اجتماعی و سیاسی که حضور داشتند، مورد ملاحظه قرار داد.

### ۳- حکمرانی و گفتگو در سیره و اندیشه امام رضا(ع):

برای اینکه راهبری حکمرانی در اندیشه امام رضا(ع) و برقراری گفتگو در شاکله آن تبیین شود می بایستی مختصات و فضای سیاسی و اجتماعی و همچنین ساختار حکمرانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

#### ۳-۱- فضای سیاسی و اجتماعی دوران امام رضا(انحراف):

در دوره امام رضا(ع) مهمترین مشکل همان انحراف از مبانی اصیل اسلامی و عرفی سازی قدرت سیاسی است از طرفی دیگر در این دوران بازار مکاتب گوناگون فکری، فلسفی و کلامی داغ بوده است و گسترش فیزیکی و جغرافیایی و فکری جامعه این مسئله را حادث کرده بود که امام با اصول راستین و حقیقی مذهب شیعه سعی بر غلبه بر این مساله داشت. بنابراین هدف امام چه قبل و چه بعد از ولایتعهدی گفتگو و مناظره با این جریانات بوده است (درخشه، ۱۳۹۲: ۱۱). به نوعی جهت گیری سیاسی ایشان بر مبنای اجتماعی استوار بوده است که ضمن هدایت تمام مردم، اصول و معارف حقیقی اسلام بدور از هرگونه انحرافی در جامعه نهادینه کند. از اینرو امام در این دوره بر این راهبرد کلی تاکید داشتند که کاربست حقیقی سیاست اسلامی تامین سعادت جامعه و افراد است، لذا نباید با نادرست پنداشتن هدف سیاست در تامین قدرت از هر ابزاری برای نیل به آن بهره برد و در واقع سیاست و حکومت در دیدگاه امام رضا(ع) همان ادامه جریان بشری بسوی خیر، سعادت و فضیلت بشمار می رود و حکومت ابزاری است که زمینه را برای اهداف متعالی فراهم می کند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

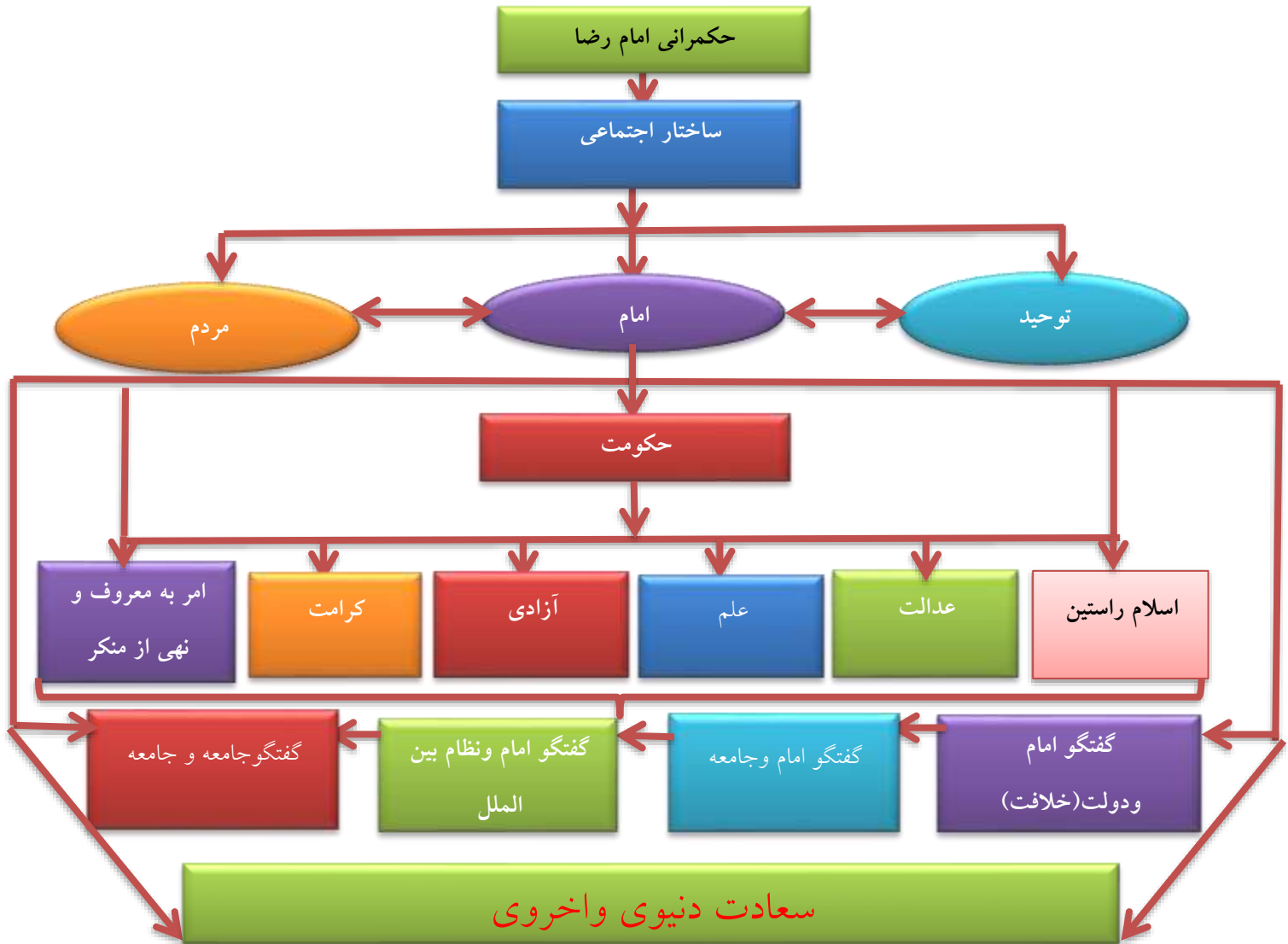
بر این اساس حتی این راهبرد قبل از ولایتعهدی ایشان هم جاری بوده است که البته پس از آن برجستگی اش افزایش پیدا می کند و در حالیکه ایشان در عرصه اجرایی و کارهای خلاف اسلامی مامون مشارکت ندارد، اما سازه های حکمرانی مدنظر او در این دوره بروز عینی و عملیاتی پیدا می کند. بنابراین آن امام در جهت مصلحت و با توجه به شرایط زمانی و با پذیرفتن ولایتعهدی تمامی راهبردها و اصول خود را عملی می سازد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۵۶). در این جهت امام رضا(ع) نوعی ساختار حکمرانی را تنظیم می کند، ساختاری که

براساس همکاری و مشارکت با تمام گروه های اجتماعی قرار گرفته است که البته امام و به نوعی حکومت که وظیفه هدایت و سعادت جامعه را برعهده دارد دارای اهمیت و جایگاه بالایی است. امام و حکومت نقش راهبردی و کارکردی در این جهت ایفاء می کند. بنابراین حکومت دارای ماهیت و خاصیت ویژه ای است که همانطور گفته شد در دین اسلام و مذهب تشیع و به موازات آن در حکومت مدنظر امام رضا(ع) کاملاً نمایان است و با این شرایط نوعی تعامل، تبادل و کنش اجتماعی ایجاد می شود که در قسمت بعد به آن می پردازیم.

### ۳-۲- حکمرانی در اندیشه امام رضا و اضلاع آن:

از نظر امام رضا(ع) هدف حکمرانی در سطح خلافت (دولت) اجرای حدود الهی است. از نظر ایشان اگر حاکمی از اجرای حدود الهی سرباز بزند مستحق عذاب الهی است. امام رضا(ع) می فرماید: اگر چیزی از پیش خود آوردم یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی نمودم، شایسته این مقام نبوده، خود را مستحق کیفر نموده ام و من به خدا پناه می برم از خشم او (المالکی، ج ۲: ۱۰۱۱). بنابراین از نظر امام رضا(ع) حکومت زور و زر دنیا نیست، بلکه مسئولیتی الهی است که مبنایش حفظ اسلام، عدالت، استکبار ستیزی، آزادی و کرامت انسان ها است. امام رضا(ع) در حقیقت سعی در بنیان نهادن جامعه ای داشت که براساس تعالیم قرآنی و آموزه های نبوی، حرکت در مسیر تحقق آموزه های اسلامی در حیطه امور اجتماعی، جاری کردن شریعت الهی و سنت و سیره رسول اکرم و بنیان گذاری یک آرمان شهر اسلامی است که بدون شک به سعادت بشری رهنمون می شود. بنابراین در این حکومت نوعی حکمرانی شکل می گیرد که علاوه بر بخش حکومت (نظام سیاسی) اجزایی دیگر وجود دارد و نظام سیاسی دارای ماهیتی است که موجد نوعی توسعه اجتماعی و تعامل در سراسر جامعه می - شود. از نظر امام رضا(ع) انسان برای تحقق اهداف خود نیازمند ارتباط با سایر افراد است تا بتواند به نتایج مطلوب مورد نظر خویش دست یابد و این خواسته جز با وحدت و یکدلی تحقق نخواهد یافت. بر این اساس مدل حکمرانی مدنظر امام رضا(ع) در قالبی اجتماعی و در گفتگو و تعامل با دیگران بدست می آید.

شکل ۱- ساختار حکمرانی گفتگو محور امام رضا (ع)



بدین ترتیب از نظر امام رضا (ع) اساس و پایه حکومت اسلامی بر پایه اصل توحید و ایمان به خداوند یکتا قرار گرفته است و جزء بعدی که خلیفه و یا امام می باشد می بایستی احکام الهی را جاری سازد و امام از طرف خداوند مأمور برای اجرای قواعد الهی است و هر چند مشروعیت امام از طرف خداوند می باشد اما با حمایت مردمی جنبه عملیاتی پیدا می کند و این فرامین و قواعد الهی هم برای رستگاری مردم است. بدین ترتیب در اندیشه امام رضا (ع) سه جزء اساسی وجود دارد که اساس حکمرانی را در اندیشه و سیره ایشان تشکیل می دهد:

الف: توحید:



امام رضا (ع) شرط رهایی از عذاب الهی را توحید و شرط توحید را قبول ولایت و امامت می داند. خداوند متعال برترین حاکم و ولی این جهان است و همه پدیده ها در سایه قرب او معنا پیدا می کند. در چنین حکومتی حاکم مسئول است و دیگر به دید منفعت طلبانه به حکومت نظر نمی افکند و حکومت را ودیعه ای الهی می داند و همه چیز صبغه الهی پیدا می کند (نقیه، ۱۳۹۱: ۷۱). در کلام و سیره حضرت رضا (ع) یگانه قدرتمند خداست.

#### ب: امام معصوم:

در اندیشه شیعه امامت شایسته ترین فرد برای زعامت و رهبری جامعه است، چنانکه امام رضا (ع) با معرفی جایگاه و مقام برانحصاری و عصمت تأکید می کنند. مبنای حکمرانی امام رضا (ع) بر امام معصوم سامان یافته است و فقط با حاکمیت اوست که امور سامان می یابد و امت راه صلاح و سعادت را می پیماید. امامت در عین اینکه زعامت دینی و دنیوی مردم را برعهده دارد از همه حیث شایسته ترین فرد برای تصدی حکومت است (درخشه، ۱۳۹۴: ۱۹). امام از نظر امام رضا (ع) کارکردهای حکومتی نظیر حراست از مرزها، اجرای احکام و مدیریت مالی و خلیفه خدا در زمین را برعهده دارد. امام رضا (ع) هدایت امر دین و دنیای مردم را وظیفه امامان شیعه می داند. آنان جانشینان رسول خدا هستند و در هر زمانی امر امامت استوار است و هیچ گاه هستی خالی از حجت نیست. چنانکه در روایتی به نقل از محمد بن اسماعیل امام رضا (ع) می فرمایند: هر که بدون امامی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است (صدوق، ۱۴۰۵، ص ۶۶۸). از نظر امام رضا (ع) امام موهبتی از جانب خدا برای مردم می داند زیرا عقول مردم توان انتخاب امام را ندارد (طبرسی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۴۳۳). بر این مبنا حرکت صحیح واقعی بر اساس سنت و روش پیامبر و امیر المومنین است. در حقیقت با این مختصات که از طرف امام رضا (ع) برای امام برمی شمرد حکومت عباسیان را به چالش می کشد و به نوعی حکمرانی مدنظر ایشان را هم را در این قالب می توان گنجاند.

#### پ: مردم:

منصب عالی امامت و انجام وظایف و مسئولیت های آن نیازمند به بیعت و استقبال مردمی نیست. به دیگر سخن مشروعیت آن به مقبولیت عمومی نیاز ندارد، زیرا مشروعیت و حقانیتش را از خدا بدست می آورد. پس امام همواره حق و مشروع بوده است خواه همه مردم او را به امامت قبول داشته باشد و یا وی بیعت کرده باشند خواه حتی یک نفر هم به او ایمان نیاورده باشد (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۵۵). اما اساساً آنچه را که خداوند به عنوان امام و اولی الامر برای مردم قرار داده است، قطعاً اقبال مردمی نیز در پی خواهد داشت، کما اینکه در زندگی امام رضا (ع) بارها استقبال مردم از ایشان در تاریخ به ثبت رسیده است، از جمله استقبال بی نظیر مردم نیشابور از ایشان که هزاران نفر آماده و قلم به دست منتظر قدوم ایشان بودند و همچنین نماز باران و عید فطر می باشد. لذا دوران حیات امام هشتم (ع) دوران اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت (ع) و گسترش پایگاه های مردمی این خاندان است. امام از پایگاه شایسته مردمی برخوردار است و در همان شهر که مامون با زور حکومت می کرد او مورد قبول همه مردم بود ویر دل ها حکومت می کرد که مامون را مجبور به پیشنهادی ولایتعهدی کرده است. امام رضا (ع) برای تمامی انسان های تحت قلمرو خود صرف نظر از مرام و مسلک کرامت فائل است و حقوق افراد غیر مسلمان هم در نظر می گرفت. حضرت امام رضا (ع) از پیامبر نقل کرده است اوج خردمندی بعد از ایمان به خدا، دوستی با مردم و نیکو کاری نسبت به هرانسان نیکوکار و بدکار است (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

با توجه به این نکات ساختار سیاسی و ماهیت الهی آن در دین اسلام و مذهب تشیع و به موازات آن سیره امام رضا(ع) دارای ابعاد فراتر از خلافت(دولت) و در کنار آن اضلاع دیگری وجود دارد، از طرفی دیگر برای حفظ ماهیت این ساختار که همان اصول و تعالیم ناب اسلامی می باشد (شیخ صدوق، ج ۲: ۱۴۱) و نیز رسیدن به هدف واقعی که همان سعادت انسانها است، رویکرد سیاسی و اجتماعی امام رضا(ع) و یا در وجه عملیاتی آن مدیریت امور عمومی چه در دوره ولایتعهدی و چه در دوره قبل از آن با سازماندهی و یابیش بینی نوعی حکمرانی که وجه غالب و ماهیت اصلی آن گفتگو بین تمام سطوح اجتماعی می باشد قابل تحقق است: ۱- گفتگو امام در سطح دولت(خلافت) ۲- گفتگو امام و جامعه ۳- گفتگو امام و خارج از قلمرو اسلام(سطح بین الملل) ۴- گفتگو مردم با مردم که به نوعی به پویایی اجتماعی هم منجر شده است.

### ۳-۳- حکمرانی و گفتگو در سیره و اندیشه امام رضا(ع):

همانطور که گفته شد اداره امور عمومی و دستیابی به هدف غایی و برقراری ماهیت دین اسلام در چارچوب نوعی حکمرانی با مشارکت تمام بازیگران اجتماعی در سیره و اندیشه امام رضا(ع) سیاستگذاری می شود و در چارچوب این حکمرانی نوعی راهبرد گفتگو محورانه بشرح زیر پیش بینی می شود:

#### ۳-۳-۱- گفتگو در سطح دولت(خلافت):

با توجه به آنچه در سیره امام رضا(ع) و سایر ائمه می بینیم، هیچ کدام از ائمه، حتی در سخت ترین شرایط، حق امامت و ولایت خود را کتمان نکرده و در هر فرصت و شرایطی آن را به حکام وقت یادآوری کرده اند و این حرف که ائمه از سیاست و مسائل حکومت دوری می گزیده اند، عین بی اطلاعی از روش و راهبرد امامان است، زیرا ائمه هیچگاه از حق خود چشم پوشی نکردند و همواره به مسائل دینی و سیاسی اجتماعی اهمیت می دادند و نبودن حکومت به دست ایشان دلیلی بر بی توجهی به سیاست یا مدارا با خلفای وقت نبوده، زیرا شیعه، امامت را بالفعل می داند نه بالاستحقاق، در حالی که به درستی معلوم است پیشوایان، امکان تأسیس حکومت نیافتند(کلینی رازی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۷۵).

اما امام رضا(ع) با شرط عدم دخالت در وظایفی که به طور متعارف بر عهده ولی عهد بوده است، ساختار ولی عهدی عوض کرد و آنگاه آن را پذیرفت. این پیشنهاد را می پذیرم، مشروط بر این که کسی را نصب و عزل نکنم و سیره و روشی را برهم نزنم و فقط در این کار مشاوره ای از دور داشته باشم(کارخانه، ۱۳۹۲: ۱۶۴). در برابر آن مامون امابرای کسب مشروعیت و سرکوب شورش علویان و در برابر خاندان عباسیان به آن امام نیاز داشت، پیشنهادهای ایشان را پذیرفت. اما در عین حال بیشترین مواضع سیاسی امام رضا(ع) در دوره مامون و در دوره ولایتعهدی اتخاذ شده است. گفتگو بین امام و اعضای دستگاه خلافت و همچنین کوششی که ایشان انجام می داد تا بین اعضای دستگاه خلافت تعامل و گفتگو در جهت خدمت به مردم فراهم شود دو گزاره اصلی و راهبردی امام در این بخش است.

امام در گفتگو با مامون این نکته را متذکر می شود که مسائل داخلی جهان اسلام در وضعیت مناسبی قرار ندارد و اولویت خلیفه در گام اول باید سامان بخشیدن به امور داخلی باشد و از اعتماد به افراد ناشایست باید اجتناب شود و از وی بخاطر غفلت و بی اطلاعی انتقاد می کردند. البته برخی از ارشادهای امام در راستای همان امر به معروف و نهی از منکر بوده است(درخشه، ۱۳۹۲: ۲۸). امام همچنین

درباره نقش حیاتی کارگزاران نظام اسلامی به مأمون می گفتند: درباره امت محمد و فرمانروایی که بر ایشان داری از خدا بترس، زیرا کارهای آنان را تباه کرده ای و کار را به دست کسانی سپرده ای که به غیر حکم خداوند بلند مرتبه داوری می کنند و خود در این سرزمین ماندگار شده و خانه هجرت و محل فرو آمدن وحی را ترک کرده ای و بر مهاجران و انصار با نبود تو ستم می رود و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را نگاه نمی دارند و روزگار بر مظلومان به سختی می گذرد و آنان برای زندگی به هزینه ای دسترسی ندارند و کسی را نمی یابند که نزد او از اوضاعی که دارند شکایت کنند (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۵: ۱۱۱). امام همچنین مأمون را به برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت دعوت می کند و تاکید دارد این مایه خشنودی و خوشحالی یک حاکم اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۹: ۱۶۵). ایشان همچنین یادآوری می کند که هر فردی از کارگزار با مردمان تحت قلمرو خویش برادر هستند و از این منظر باید با آنان به برابری و برادری رفتار کنند و در هر چیزی که برابری در آن رواست (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۱: ۴۱۲). بطور کلی امام رضا (ع) در گفتگوهایش با مأمون چنین ویژگی هایی را در انتخاب مدیران شایسته برشمرد: ۱- دانش ۲- مهارت ۳- خودمفهومی (وجدانکاری، امانتداری، عدالت، سلاکت نفس) ۴- ویژگی های رفتاری (تواضع، وظیفه شناسی، فضایل اخلاقی، ساده زیستی)، ۵- انگیزه (قرب الهی) (شاه علی و دوالی، ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۲۴).

اما در کنار آن در سطح دولت بیشتر آنان به اتحاد و هماهنگی در خدمت به مردم توصیه می کرد و ناهماهنگی و افتراق آنان را از این هدف دور خواهد کرد (صحیفه الامام الرضا، ۱۴۰۷: ق ۳۹۴). از نظر امام رضا (ع) حکومتی که بین اجزاء و ارکان آن ناهماهنگی و عدم افتراق باشد، در رسیدن به اهداف و تحکیم قدرت حکومت عاجز خواهد ماند و این به فروپاشی و سستی پایه های حکومت منجر خواهد شد. از اینرو ایشان گفتگو در سطح دولت از دو طریق به پیش می بردند: ۱- از طریق ارشاد خلیفه و کارگزاران حکومتی در جهت برقراری مسیر صحیح توأم با انصاف و عدالت ۲- از طریق اینکه بین کارگزاران در بخش های مختلف هماهنگی و تعامل وجود داشته باشد که امور حکومتی و خدمت رسانی به مردم با سرعت و سهولت انجام گیرد.

### ۳-۳-۲- گفتگو امام و جامعه.

گرچه همه شئون امامت ظاهری و باطنی از یکدیگر تفکیک ناپذیر بوده، تحقق و فعلیت ولایت ظاهری معصومان در گرو عواملی چون: خواست مردم، مهیا بودن شرایط اجتماعی و غیره است. امام بنیان حکومت خود را در جایی می نهاد که مردم مسئولانه به وظیفه خود در مهیا کردن شرایط حکمرانی او قیام کرده باشند. در غیر این صورت، هیچ تکلیف فعلی برای تشکیل حکومت نمی یابد اما وظیفه بیان حقیقت و هدایت مردم هیچ گاه فراموش نمی شود. امام بیشتر در پی آگاه سازی مردم و اصلاح بینش عمومی نسبت به قدرت سیاسی و حکومت بود. بنابراین امام در ارتباط با مردم بر اصولی هم مانند هم زبانی با آنان، همدردی و همدلی، توجه به حقوق مردم، نفوذ بر مخاطب، خودگشودگی و التزام تاکید دارند.

پس از رحلت رسول و با توسعه سرزمین های اسلامی، مسلمانان به فرقه های گوناگون تقسیم شدند و بتدریج انحراف هایی در عقاید آنها پدیدار شد از جمله این فرقه های زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه و غلات بودند (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۵). دوره امام رضا (ع) این موضوع بیشتر اوج گرفته بود و عقاید برخی از این نحله ها بشدت در جهت انحراف جامعه بود، امام می بایستی سعی می کرد بامدارا با آنان برخورد کند و از نیروی منطق و استدلالی قوی برای مقابله با این جریانات برخوردار باشند (غنوی، ۱۳۹۵: ۱۶). بنابراین در این شرایط

امام رضا(ع) در دویخش به اصلاحات فکری و دینی پرداختند: ۱- رد عقاید باطل و منحرف. ۲- بیان افکار و عقاید صحیح و اصولی در جامعه آن روز و در گفتگو با مردم عادی و یا مناظره با صاحبان فرق و نحله های گوناگون فکری است.

امام رضا(ع) از هرفرصتی برای برای ایجاد رابطه قوی میان خود و مردم استفاده می کردند. امام از مهاجرت و گذار از شهرها جهت تبلیغ و تثبیت و رشد تشیع و امامت خود بهره گیری می کنند و تهدید را به پیشرفت و فرصت تبدیل می کنند. ارتباط امام رضا(ع) با مردم چنان قوی بود که حضرت در نزد مامون از فعالیت خویش در مدینه یاد می کند و می فرماید: به خدا قسم وقتی در مدینه بودم سوار بر مرکب خویش می شدم و میان کوچه و بازار رفت و آمد می کردم و وقتی اهالی مدینه و دیگران حاجات و نیازهای خود را از من درخواست می کردند آن را برآورده می ساختم، آنها مثل عمو و خویشاوندان من و بودند، نامه های مرا در شهر می پذیرفتند و سفارش های من را رد نمی کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۴۴). امام رضا(ع) برای بصیرت افزایی و گسترش فرهنگ اسلامی جلسات علمی زیادی را تشکیل دادند. خانه او معمولاً پر از مردم بود و از موارد گوناگون بخصوص در حوزه احکام اسلامی می پرسیدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۳). علاوه بر آن جلسات خصوصی برای شیعیان و یاران خود داشتند و این جلسات در خلوت شب صورت می گرفت. امام شاگردان خود را به حضور می طلبیدند و مطالبی را با آنها در میان می گذاشتند و بتدریج شاگردانی عالم و دانشمندی را تربیت کردند که این شاگردان هم خود در توسعه و نشر دین اسلام و اصول آن نقش بی بدیلی داشتند.

امایکی از مهم ترین ابزارهایی که در این جهت امام برای گفتگو با جامعه بخصوص با فرق و ادیان دیگر در نظر می گرفت، استفاده از مناظره بود. ایشان هم در سفرهای تبلیغی عموماً به مناظره با ادیان، فرق و مذاهب گوناگون اسلامی و شیعیان اقدام می نمودند. هم با فرصتی که امام(ع) در زمان ولایت عهدی مأمون عباسی به دست آوردند و با مناظراتی که وی برای درمانده کردن امام(ع) به راه انداخت، ایشان با توجه به درک و شرایط مخاطب، با شیوه های مختلفی توجه طرف مقابل را به موضوع جلب و این توجه را در طول بحث حفظ می کردند. از آن جمله می توان به احتجاج با زبان مخاطب، بهره گیری از تمثیل و تشبیه، همگام شدن با مخاطب از طریق گوش دادن پویا، خوش سازی کلام و هدایت کردن مخاطب در مسیر بحث، رعایت حد سخن با توجه به موقعیت مناظره و شرایط مخاطب و نظایر آن اشاره کرد. همچنین دعوت مخاطب به پرسش، تشویق مخاطب به ادامه بحث و طرح نظریه های خود، تسلط حضرت به جمیع علوم و زبان ها، اعطای آزادی کامل به طرف مناظره، دریافت پاسخ مناسب از سوی حضرت با حداقل تلاش مخاطب و نظایر آن از جمله الگوهایی است که از طرف امام(ع) در مناظره ها رعایت می شد (امام جمعه زاده و محمود اوغلی، ۱۳۹۳: ۲۵).

یکی از ویژگی های بارز امام رضا (ع) در گفتگوها و مناظرات بدست آوردن ظرفیت فکری، عقل و درایت طرف مقابل است. این سنجش باعث می شود که چگونه با او گفتگو کنیم در غیر این صورت هدف گفتگو و مناظره حاصل نمی شود. امام موضوع زمان در گفتگو و مناظره مدنظر داشت. این مناظرات اصولاً دارای بعد منطقی و عقلی بود. امام سعی می کرد در این مناظرات از مسلمات و مقبولات دو طرف استفاده کند. امام از دریای علم برخوردار بودند که این امر موجب سکوت برخی در برابر عظمت و آگاهی امام می شد و اعتراف آنان به این موضوع بوده است. امام در گفتگو و مناظرات و در بیشتر اوقات سعی می کرد از قرآن استفاده کند. ایشان مناظره را بر مبنای مشخص و روشنی و با تکیه بر مباحث زیر بنایی آغاز می کردند (رجبی، ۱۳۹۴: ۹۸-۸۱). مناظره و گفتگو امام رضا(ع) برای ایجاد فهم مشترک از مسائل، آگاهی بخشی و ایجاد نگرش توأم با عقلانیت است و روش مناظره آن حضرت نه جدل بلکه تسلط علمی بر مسئله بود که اساساً از نظر علمی و روانی بیشترین تاثیرات آموزشی را بر طرف مناظره خود گذاشت.

شیخ صدوق در این ارتباط می فرماید: اندیشمندان سطح بالای هر فرقه را در مقابل امام قرار می داد تا حجت آن حضرت را به وسیله آنان از اعتبار بیندازد و این به جهت حسد و نسبت به امام و منزلت علمی و اجتماعی او بود، اما هیچ کس با آن حضرت روبرو نمی - شد جز آنکه به فضل او اقرار کرده و به آنچه از طرف امام علیه او اقامه می شد ملتزم می شدند (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۲). محمدرضا حکیمی هم بر این امر صحنه می گذارد و می گوید در عصری که ما شاهد رواج علوم و فرهنگ های گوناگون هستیم، امام رضا چون خورشیدی فروزان توانست در عرصه فرهنگی بتابد و به تبلیغ اسلام اصیل بپردازد. چنانکه از اقدامات مهم امام در این دوران توسعه همه جانبه علوم است. در زمینه برخی از این علوم مانند طب و فقه کتاب مستقلی به نام طب الرضا و فقه الرضا منسوب به ایشان وجود دارد. در زمینه تفسیر قرآن کتابی از احادیث تفسیری ایشان به نام امام رضا (ع) تدوین شده است که نشان از توجه آن به تفسیر قرآن و گسترش آن دارد. بنابراین تمام اهتمام امام در این دوره از طریق گفتگو و مناظره بر نشر و گسترش و همچنین نهادینه کردن مذهب تشیع در سطح جامعه و از بین بردن تمام انحرافات است (کریمی و دیمه کار، ۱۳۹۲).

بنابراین امام رضا (ع) برای تبیین و ترویج اصول اساسی دین اسلام در سطح عمومی و جامعه در برخورد با مردم عادی به گفتگو می - پرداختند و در مرحله بعد هم با سران و اندیشمندان فرق و نحله های گوناگون به مناظره و گفتگو آن هم با آداب و رسوم خاص خود می - پرداختند. امام در این دوره اقدام به انتشار معارف حقیقی الهی نمود و توانست ثابت کند که امر خلافت پس از پیامبر فقط باید در دست اهل بیت باشد. به نوعی امام رضا (ع) در این دوره بیشتر بر آگاه سازی عمومی مردم و اصلاح بینش عمومی نسبت به قدرت، سیاست و مفهوم صحیح سیاست اسلامی بودند.

### ۳-۳-۳- گفتگو امام و نظام بین الملل (قلمرو خارج از اسلام):

امام رضا (ع) از موقعیت کم نظیر و اثر گذار دوره ولایتعهدی پیش از آنکه به جنبه اجرایی و قدرت سیاسی توجه داشته باشند، آن را بیشترین و بهترین فرصت بهره برداری را در جهت هدایت معنوی مردم انجام می دادند. در این فرصت ایشان سعی کرد با سفر به ایران و تمام سرزمین های اسلامی و همجوار ضروری ترین اصول اعتقادی اسلام و تشیع را بیان کنند. امام رضا (ع) در پایه گذاری و گسترش اندیشه کلامی مسلمانان و تشیع موفق بوده اند و پاسخگوی سوالات مسلمانان و غیر مسلمانان در امور گوناگون بودند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۶).

اما نکته مهمی که امام در مناظرات باعث تزلزل شدید پایه های حکومت عباسی شد بحث تقریب مذاهب بود در این دوره خلفا به بحث های فرقه ای دامن می زد که امام رضا (ع) در جهت عکس آنها عمل می کرد و بخاطر احاطه بر اصول تمام ادیان می توانست در جهت تقریب مذاهب عمل کند. امام رضا (ع) به تربیت شاگردانی پرداخت و این شاگردان با برپایی و شرکت در مناظرات علمی که حضور رهبران مذهبی و ادیان های مختلف دینی برگزار می شد به تبیین مواضع کلامی اسلام و اهل بیت علیه اسلام پرداختند. شاگردان امام بواسطه اینکه علم و دانششان برگرفته از ایشان بود قدرت و تاثیر گذاری فراوانی بر نخبگان و مردم شهرهای مختلف داشتند که در تاریخ جایگاه شاگردان امام در ترویج دین و معرفی معارف اسلام در بسیاری از نقاط بسیار مهم قلمداد شده است.

یکی دیگر از ابزارهای که در دوران اهل بیت از ظرفیت آنان استفاده شد شعر و همچنین نقش پررنگ شعرا در بین مردم داشتند بوده است. نام دعبل بن علی خزاعی برای همه عاشقان امام رضا (ع) شناخته شده است. همراهی این یار وفادار با اهل بیت او را شاعری

برجسته و سفیری برای ترویج سیر و سلوک ائمه معصومین و همچنین نشر معارف ناب اسلامی تبدیل کرده است (مقامی، ۱۳۹۵: ۱۴). همچنین دستاورد دیپلماسی قوی امام رضا (ع) بستر سازی برای انتقال مرکزیت شیعه از سرزمین حجاز به ایران بود. امام با اینکه به صورت رسمی در هیچ مسئله ای دخالت نمی کرد اما بنا بر اصل امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از انحرافات و اشکالات را گوشزد می کرد و همین موضوع موجب گسترش تعالیم اصیل دین اسلام در سراسر جهان شد. بر این پایه امام رضا (ع) در جهت تعامل با دیگر ملت ها و ادیان اصولی بکار می گرفتند که این اصول عبارت است از:

- پذیرش شاگرد از طرف امام بدون هیچ محدودیت قومی و دینی.

- از بین بردن هرگونه امتیاز طبقاتی و هرنوع برتری جویی فردی و اجتماعی (دلبری، ۱۳۹۶: ۴۲).

- انجام مناظره در فضایی آرام و بدور از تنش و تسلط امام به امور گوناگون شرایط را برای جذب دیگر اقوام فراهم می کرد.

- حضرت مسئله برابری و عدالت اجتماعی را از ضروری ترین مسائل در حفظ و تحقق تقریب مذاهب مطرح می کنند و اعلام کردند که عدالت لازمه توحید است (اسماعیل زاده امامقلی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

- از نظر امام اختلاف عقیده در زندگی اجتماعی و در بین انسان ها امری طبیعی به شمار می آید و این اختلاف عقیده نباید مانع تقریب و وحدت شود.

- احترام به حقوق دیگر مذاهب؛ در نگرش امام رضا اختلافی که ناشی از عوامل سیاسی، اجتماعی و برپایه حب و بغض های مذهبی باشد برای فهم و تدبیر در دین و کشف حقیقت نه تنها پذیرفتنی نیست، بلکه جلوگیری از آن نیز لازم و این خود در حقیقت عاملی برای تقریب مذاهب است.

- نفی قومیت گرایی: یکی از راهکارهای اسلام برای تحقق تقریب مذاهب و وحدت در جامعه مسلمین و ایجاد حس برادری و یکی شدن آحاد مسلمانان، نفی نژاد پرستی و تبعیض های ناروا بین افراد جامعه بوده است.

بنابراین امام رضا (ع) با توجه به آن منطق و بینشی که در دین دین اسلام و در ایشان نهفته بود به تقریب دین اسلام و دیگر مذاهب پرداخت و به نوعی با تعامل صحیح و گفتگوی منطقی در نشر و گسترش دین اسلام اقدامات جدی بعمل آوردند.

### ۳-۳-۴- گفتگو جامعه و جامعه.

یکی از شیوه هایی که امامان در طی چند قرن برای تثبیت عقاید صحیح اسلام و انتشار آن به کار می بستند، از طریق پرورش اصحاب و شاگردان مکتب اهل بیت بود تا در برابر منحرفات جامعه و یا در مناظراتی که بین اصحاب و علمای سایر فرق در مکتب خلفا روی می دهد با آمادگی کامل در مقابل این جریانات فکری مقابله نمایند (غروی نائینی، ۱۳۸۷: ۸۷). بیشتر دوره تعلیم و تربیت امام رضا (ع) مربوط به دوران تقیه ایشان و در دوره هارون الرشید بوده است. بنابراین همین شاگردان به تعامل با مردم می پرداختند و در گسترش عمومی معارف اصیل اسلامی نقش بسزایی ایفاء کردند.

امام رضا(ع) در تعاملات بین مردم بایکدیگر و در عرصه اجتماعی بر اصولی تاکید داشتند که این اصول می توانست به تحکیم و ثبات اجتماعی در جامعه اسلامی منجر شود. از موارد اصلی که در حوزه فردی دارای نمودی اجتماعی است می توان به تقوا اشاره کرد، چرا که شخص غیر مطیع امر خدا طبیعتاً در برابر مردم نیز کرنش نخواهد کرد. کسی که حاضر نیست در برابر نعمات الهی شکر گذاری کند چگونه می تواند با مردم سازگاری یابد و به آنان احترام بگذارد (۱۳۹۵: ۱۰۸). از بارزترین شاخص های سیره عملی آن حضرت شب زنده داری و عبادت ایشان بوده که اکثر شب ها را تا سحر بیدار بوده و بسیار روزه می گرفت (قیومی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). عبادت و خشوع در برابر خداوند متعال خود به تحکیم و برادری اجتماعی منجر می شود.

ابتدایی ترین نکته ای که ایشان در ارتباط با یکدیگر تاکید می کردند، رعایت کنند راستگویی است از آنجاییکه آن می توانست سرچشمه ای برای ایجاد اعتماد شود، چنانکه ایشان آن را در کنار تقوی و ورع بیان می فرمایند (فقه الرضا، ۱۴۰۶ق: ۳۵۶). امام رضا(ع) همچنین بر امانتداری در کنار راستگویی تاکید داشتند و در نامه شریف به عبدالعظیم می فرمایند دوستانم را به امانتداری امر کن. امام رضا(ع) در تعامل مردم بایکدیگر سنجیدگی و خویشتن داری از موارد ضروری بر می شمردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۳۱۸). یکی دیگر از مواردی که امام مورد توجه قرار می دهد احسان است. امام رضا(ع) خطاب به عبدالعظیم حسنی می فرماید: به دوستانم سلام برسان و به آنان امر کن توجه به یکدیگر را، که این امر باعث نزدیک شدن به من است. احسان به هموعان صرفاً در مسائل مالی خلاصه نمی شود بلکه هرگونه کمک های فکری، معنوی، عاطفی، علمی را هم در بر می گیرد. البته در کنار این موارد که به نوعی تحکیم همبستگی آنها می شود عفو و بخشش است. امام بر محبت هم که بنیان تعامل اجتماعی است نظر دارد. امام رضا(ع) نیکی و محبت به مردم را سرمایه حیات دنیوی و اخروی می داند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۸۱). با توجه به این نکات امام رضا(ع) در ارتباطات اجتماعی به پرهیز از تفرقه و جدل و ایجاد همدلی بین مردم توجه دارد و این موارد را ایجاد کننده سرمایه اجتماعی می داند (سروی مجد، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۱۲). ایشان با استناد به فرمایشی از امام صادق می فرمایند: از تشقت و تفرقه و جدایی پرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما می شود (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۴: ۵۳). ایشان درجایی دیگر جدایی از اجتماع مسلمانان و به تعبیری خروج از وحدت اجتماعی را به نوعی بیرون شدن از دایره مسلمانی و بازگشت به جاهلیت دانسته و فرموده اند: آنکه از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد داشت (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۴: ۷۳). بنابراین امام رضا(ع) در عرصه اجتماعی و تعامل افراد بایکدیگر بر اصولی تاکید دارند که این اصول می تواند زمینه را برای مفاهمه و همکاری فراهم نمایند.

در مجمع و در پایان این قسمت می توان گفت اندیشه اسلامی و به نوبه آن سیره و اندیشه امام رضا(ع) برای تحقق هدف اصلی و نیز جهت دهی به ماهیت اصیل اسلامی در قالبی اجتماعی - سیاسی و با نوعی حکمرانی که راهبرداصلیش گفتگو و همکاری سراسری شکل می گیرد که اتفاقاً این قالب در دوره انقلاب اسلامی و بوسیله امام خمینی (ره) بازنمایی و تجدید می شود.

#### ۴- بازنمایی حکمرانی و گفتگو در نظام حکمرانی اسلامی - رضوی در دوره انقلاب اسلامی ایران:

در این بخش هم ضمن اشاره به فضا و تحولات اجتماعی دوره امام خمینی (ره)، ماهیت و ساختار حکمرانی گفتگو محور و توسعه اجتماعی و سیاسی برآمده از آن تجزیه و تحلیل می شود و نیز همسانی آن با حکمرانی اسلامی - رضوی مورد توجه قرار می گیرد:

#### ۴-۱- فضا سیاسی و اجتماعی دوره انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی در عصر جدید و به اصطلاح پست مدرن که به نوعی دین از صحنه اجتماعی رخت بسته بود با محتوایی اسلامی، رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره) و مشارکت سیاسی مردم به پیروزی رسید و به نوعی در روند و فرآیند شکل گیری با دیگر تحولات اجتماعی ایران و حتی انقلاب های معاصر جهانی متمایز است (Goldstone, 2001: 175-176). همانطور که مطرح شده خاصیت مهم این انقلاب که منجر به یک نوع تعامل سراسری اجتماعی شد: ۱- اسلامی بودن این انقلاب ۲- رهبری این انقلاب ۳- حضور و مشارکت گسترده مردمی است (زیبا کلام، ۱۳۸۲: ۴۲). این تاحدی به فضای قبل از پیروی انقلاب برمی گردد که بافضای دوران امام رضا (ع) و بطور کلی ائمه شیعه از دو جهت قابل قیاس است: ۱- انحطاط و انحراف جامعه آن روز ایران ۲- وجود گروه ها و جریانات مختلف سیاسی که برخی از آنان بشدت منحط بودند که البته گفتمان اسلامی بارهبری امام خمینی (ره) و باتکیه بر اصول راستین دین اسلام و مذهب شیعه و ایجاد گفتگو و مفاهمه سراسری و عمومی توانست این جریانات را کنار بزند و به گفتمان مسلط تبدیل شود و در نهایت انقلاب اسلامی به پیروزی برسد و نوعی حکمرانی را شکل بدهد که به مفاهمه و همدلی در طی دهه اول انقلاب و بخصوص در دوران دفاع مقدس منجر شود. این حکمرانی در ساختار و ماهیت و در جنبه اجتماعی با حکمرانی اسلامی - شیعی برابری می کند هر چند در ساخت با توجه به غیر معصوم بودن حاکم و شرایط جدید و بعد مردمی و پیچیدگی ساختاری تفاوت هایی دارد. البته این ساختار پیچیده و تطبیق با شرایط جدید ماهیت پویا فقه شیعه را نشان می دهد.

#### ۴-۲- ساختار حکمرانی امام خمینی (ره) و گفتگو برآمده از آن:

کانون اندیشه امام آموزه های وحیانی است و به تبع آن جهان بینی ایشان یک جهان بینی الهی - دینی است و در واقع اصل توحید محور جهان بینی امام خمینی (ره) را تشکیل می دهد. حکمرانی امام خمینی (ره) هم همانند ائمه بر اساس توحید قرار گرفته است. امام می - فرمایند: اعتقاد من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهمترین و با ارزشترین اعتقادات ماست، اصل توحید است (ضمیری، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

اما از نظر امام خمینی (ره) اجرای احکام الهی که ضامن سعادت دنیوی و اخروی انسان است بدون ایجاد حکومت تحقق نمی پذیرد. این حکومت همچنین مردم محور است و بر دو بعد مادی و معنوی آنها تاکید دارد و برپایی عدل و قسط، نفی هرگونه ظلم و ستم، استبداد و استعمار را در راس سیاست های خود قرار می دهد. این حکومت با چنین ماهیتی را ایشان حکومت جمهوری اسلامی و یا مردم سالاری دینی می نامد و می فرمایند: حکومت جمهوری اسلامی مورد نظرها از زاویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳: ۳۳). در حکومت پیشنهادی در رأس هرم قدرت بجای امام معصوم در عصر غیبت ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی و عنصر مشروعیت بخش قرار می - گیرد. از نظر ایشان ولی فقیه تمام ویژگی ائمه و پیامبر از جمله علم و عدالت بجز عصمت او را دارد (امام خمینی، ۱۳۷۳، ۵۵). اما امام (ره) با توجه به شرایط جدید به تفکیک قوا معتقد بود و مهمترین وظیفه ولی فقیه نظارت بر ارکان سه گانه حکومت قلمداد می کند. اگر قرار باشد کسی که کار خودش را انجام می دهد، به کار دیگری هم دخالت کند؛ به عنوان مثال؛ قاضی بخواهد قوه مجریه خویش باشد، قوه مجریه هم بخواهد قاضی خودش باشد، این هرج و مرج است. اینها مستقل از هم هستند و هر کدام باید کار

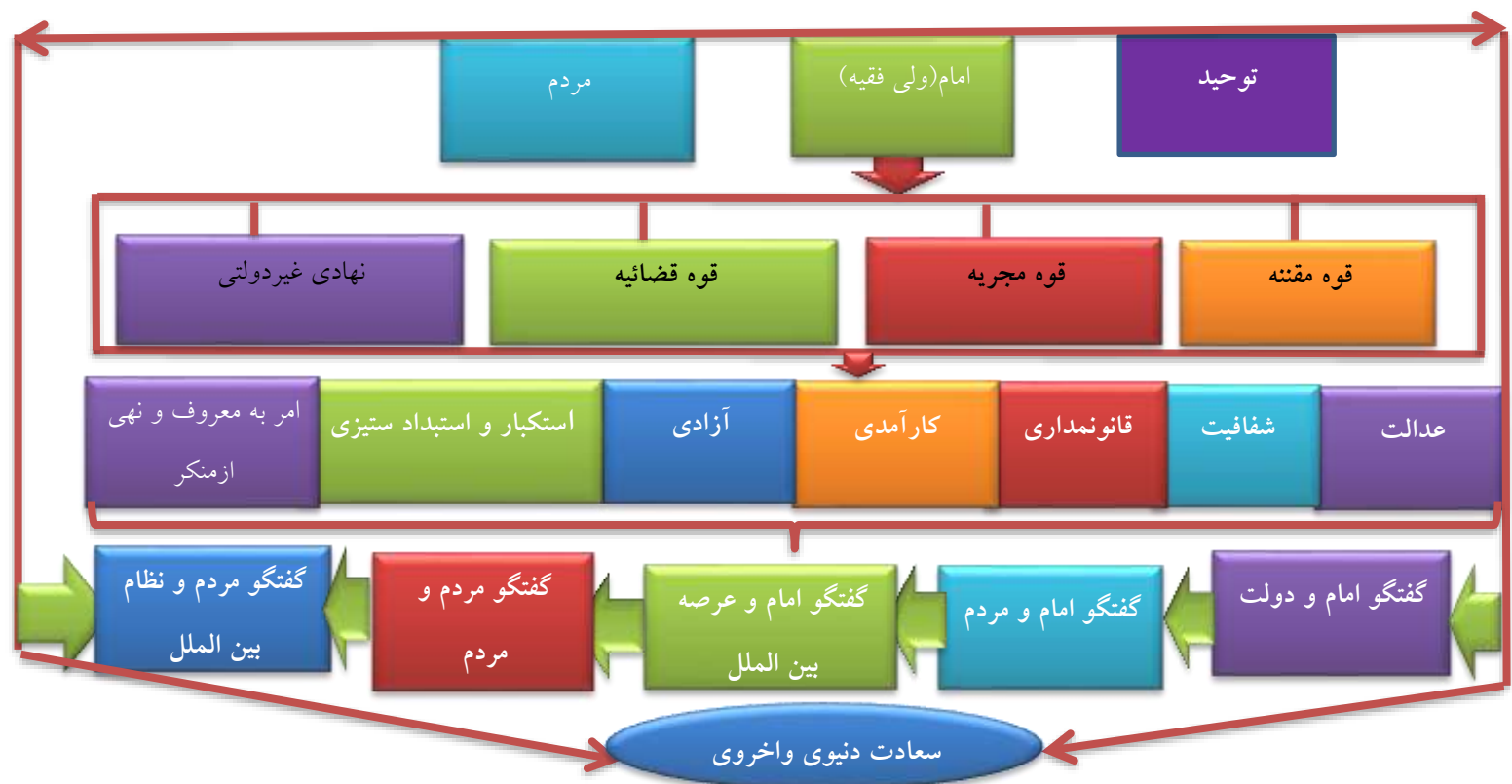


خودشان را انجام دهند (امام خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱۳: ۱۱۷). با توجه به این نکات امام خمینی (ره) بالگوگیری از حکومت های صدر اسلام و به موازت آن بانگاه به سیره ائمه اطهار و امام رضا (ع) که خود در مصدر امور حکومتی بودند به حکومت اسلامی توحید پایه می - رسد که هدفش اصلاح جامعه موجود و رساندن مردم به سعادت است. اما امام با توجه به شرایط روز بر بعد مردمی و ساختارهای چندگانه حکومتی توجه دارند. در اندیشه امام خمینی (ره) نیز کلیت و پایداری این ساختار اجتماعی - سیاسی و حفظ ماهیت آن در جهت رسیدن به سعادت در گروه تعامل و گفتگو تمام اضلاع این ساختار می باشد.

تعامل آحاد جامعه اسلامی و مشارکت و گفتگو همه اقدار، گروه ها و اقلیتها موجب می شود که حکوت در تامین رفاه و سعادت به موفقیت دست یابد. چنانکه می فرمایند برادرها به اسلام روی بیاورند. همه به اسلام توجه کنید. از تفرقه دست بردارید، به وحدت کلمه توجه کنید این رمز پیروزی شماست (صحیفه امام، ج ۹: ۸۴). این وحدت کلمه از نظر امام با تعامل، هماهنگی و گفتگو بدست می - آید. بنابراین ساختار حکمرانی مورد نظر امام خمینی (ره) گفتگو محور است و در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هم این حکمرانی بایستتر اجتماعی و گفتگو محور خود بارهبری امام (ره) به منصف ظهور می رسد.

همانطور که در شکل هم دیده می شود اگرچه حکمرانی مورد نظر امام خمینی (ره) به نوعی بازنمایی شده حکمرانی های صدر اسلام و سیره امام رضا (ع) می باشد ولی ساختار و ماهیت آن با توجه به شرایط جدید سازماندهی شده است و کنش اجتماعی مردم هم دارای عرصه ای وسیع تر است. این ساختار حکمرانی نوعی اتحاد و همبستگی و یک گفتگو واحد و سراسری را در صحنه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایجاد کرده است که در شکل زیر می توانیم آن را ببینیم:

شکل ۲- ساختار حکمرانی گفتگو محور امام خمینی (ره)



## ۲-۴-۱- گفتگو امام و دولت:

گفتگو امام با دولت در حقیقت به دو مرحله باز می گردد: ۱- گفتگو امام با دولت در قبل از انقلاب و در جهت مشخص کردن ناکارآمدی و مشروعیت آن ۲- گفتگو امام با دولت پس از انقلاب اسلامی در جهت تبیین ماهیت و کارکرد دولت اسلامی.

امام در قبل از انقلاب بطور علنی و در سخنرانی های متعدد مشروعیت و اقدامات دولت و نظام سیاسی وقت را زیر سوال می برد. چنانکه در جریان قانون انجمن های ایالتی و ولایتی با ارسال تلگرامی که به شاه فرستاد به انتقاد شدید از اسدالله علم پرداخت و از شاه خواست که وی را به تبعیت از اسلام و قانون اسلامی که از هر دو آنها سرپیچی کرده، دعوت کند (صحیفه امام، ج ۱، ۹۰-۸۸). بدین ترتیب امام خمینی (ره)، توطئه شاه را که می خواست مصوبه مذکور را تنها محدود به عمل دولت کند بر ملا ساخت و با جهت گیری روشن امام این مصوبه در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو شد. در جریان همه پرسی انقلاب سفید امام بار دیگر به مخالفت در برابر آنان پرداخته و در سخنرانی خود، مردم را به مبارزه با رژیم دعوت کرد و اظهار داشت که دولت نمی تواند در برابر خواست یک ملت استقامت کند و دیر یا زود شکست می خورد. درباره میزان مشارکت مردم در فراندوم نیز بیان داشت در سراسر مملکت، فراندوم بیشتر از دو هزار رأی کسب نکرده است که این نشان از جدایی مردم از شاه و حکومت دارد (صحیفه امام، ج ۱، ۱۵۱).

امام مهمترین اقدام امام در برابر رژیم و به نوعی هم در سرنوشت انقلاب هم تاثیرگذار بود مربوط به سخنرانی های امام در محرم و به خصوص سخنرانی ایشان در عاشورای سال ۱۳۴۲ بود که امام در این سخنرانی ها عملاً ماهیت فاسد و منحط رژیم ضمن تشریح برای مردم به آنان گوشزد می کرد. پس از تبعید امام ایشان در خارج از کشور و در طی اعلامیه هایی نه تنها مشروعیت سلطنت محمدرضا شاه را زیر سؤال می بردند، بلکه مشروعیت دودمان پهلوی را مورد خدشه قرار می دادند. امام خمینی (ره) بارها به حکومت و عواملش هشدار می داد، شاه ذاتاً فردی مستبد است و در طول چند سال از حکومتش برخلاف قانون عمل کرده است و مهم ترین عمل خلاف قانونی اش این است که در امور اداری کشور و تنظیم خطوط اصلی سیاسی در زمینه اصلاحات و در شئون مختلف کشور دخالت کرده و این جرم است؛ زیرا شاه در سلطنت مشروطه مقام غیر مسئول است (حسینیان، ۱۳۹۷: ۲۳۴). بنابراین عموماً تعامل و گفتگو امام با رژیم شاه و دولتش در قبل از انقلاب تبیین عدم مشروعیت و ناتوانی و ناکارآمدی نظام سیاسی آن دوره می باشد.

اما در پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام در تعامل و گفتگو با دولت مبنای و مبادی را به این دولت ها گوشزد می کرد که اسلام حکومت دارد و حکومتش همان نحوی که حکومت های دیگری هست و تشکیلات دارد؛ تشکیلات دارد لکن تشکیلاتی که تمامش بر مبنای عدالت است. روابط حکومت با رعیت، با اصناف رعیت، روابط رعیت با حکومت، روابط حکومت با مذاهب اقلیت، روابط مردم جامعه با اقلیتها، روابط حکومت با حکومت های دیگر، روابط خود جامعه اسلامی با جوامع دیگر، تمام اینها قوانین دارد (صحیفه امام خمینی، ج ۸: ۱۹۹) امام بارها در دیدار با دولتمردان وجه و ماهیت اسلامی دولت را برمی شمرد از نظر ایشان وجه تمایز حکومت اسلامی با سایر اشکال حکومت، تنها عادل بودن این حکومت نیست. اگرچه عدالت مهمترین غایت دولت است؛ لکن این آغاز راه است. حکومت اسلامی باید در پناه اجرای شریعت، زمینه های تهذیب جامعه را فراهم سازد (امام خمینی، دیدار با دولتمردان، ۱۳/۰۴/۱۳۵۸).

امام در دیدارها و گفتگو با دولت ضمن بیان کلیات آنان را به تعامل با مردم توصیه می کند: ۱- سپردن کارها به مردم بخصوص کارهایی که ذاتاً مردم از عهده آن بر می آیند ۲- جلوگیری از ایجاد ناراضیاتی در ادارات. ۳- ساده زیستی. یا در وصیتنامه اش بر مردم مداری تمام

دولتمردان و ارکان نظام تاکید دارند. به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است (صحیفه امام خمینی، جلد ۲۱: ۴۱۲).

در طول دوران دفاع مقدس هم امام بر تعامل صحیح با دولت و هماهنگی میان اجزای دولت تاکید دارد که نمونه آن، ایشان در بیانیه ای خطاب به مردم و مسئولان در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ ضمن تأکید بر معیار بودن قانون اساسی در اعمال نهادها و مأموریت یافتن شورای عالی دفاع می‌فرمایند: مسائل دفاع در شورا مطرح و رسیدگی می‌شود و پس از تصویب، تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۲۰۲). امام بر رعایت سلسله مراتب و اطاعت نیروها از فرماندهان خود تأکید ویژه ای داشتند. برای نمونه، ایشان تا جایی که ممکن بود بر فرماندهی کل قوا از سوی بنی صدر (علیرغم عملکرد منفی وی) تأکید می‌کردند. در سطوح پایین نیز به طور مرتب نیروهای ارتش، سپاه، بسیج و ژاندارمری را به اطاعت از فرماندهان خود توصیه می‌نمودند. امام همچنین بر نظارت درونی ارکان حکومتی بر خودشان تاکید دارند (صحیفه امام خمینی، ج ۶: ۳۷۹).

بنابراین امام در گفتگو با دولت در پس از دوره انقلاب اسلامی بر ماهیت دولت اسلامی، هماهنگی میان ارکان آن تاکید دارند و به نوعی شکل و کارکرد صحیح دولت اسلامی برای آنان تبیین می‌کرد.

## ۲-۴-۲- گفتگو امام و مردم:

در ابتدا باید گفت نوع تعامل و گفتگو امام با گروه‌های مختلف و جاذبه اش به عنوان یک رهبر کارزماتیک به گونه ای بوده است که تمام این گروه‌ها حتی با گرایش‌های مختلف به خود جذب کرده است. چنانکه آبراهامیان هم بر این نکته تاکید دارد و امام را به عنوان یک روحانی و رهبر انقلابی هوشمند تلقی می‌کند که توانسته با تعامل صحیح تمام این گروه‌ها و بخصوص طبقه متوسط و روشنفکر را به خود جذب کند (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۴۱۸). روش و شیوه امام خمینی (ره) در زمامداری و حکومت، بر اساس گفتگو و تعامل با مردم به عنوان حامیان اصلی نظام حکومتی، پی‌ریزی شد.

چنانکه در دیدار با اعضای هیئت بررسی کننده جنگ تحمیلی در ضمن توصیه‌هایی که به سران کشورهای اسلامی می‌کنند می‌فرمایند: من لازم می‌دانم که شما آقایان که در راس بعضی از کشورهای اسلامی هستید نصیحت کنم شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید نه حکومت بر ابدان، مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند حکومت‌های آنان باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را بدست آورند (صحیفه امام خمینی، ج ۱۳: ۱۷۹). از نظر امام پیوند رهبری با مردم به طور طبیعی پیوندی اعتقادی، بنیادین و عمیق است. ایشان می‌فرمایند: من با مردم ایران برادر هستم و خود را خادم و سرباز آنان می‌دانم (صحیفه امام خمینی، ج ۵: ۳۵۴). امام مردم را همواره به عنوان ولی نعمت معرفی می‌کند و نزدیکی و صمیمیت با آنان رکن اصلی اندیشه و سیره سیاسی آنان قلمداد می‌کند.

بنابراین حکومت در دیدگاه امام خمینی (ره) یک رابطه محبت آمیز، خالصانه و تکلیف مدار با مردم است (حاجی احمدی، ۱۳۸۵: ۴۸). در اندیشه امام همه حکومت از آن مردم است و مردم پشتیبان و یاور حکومت هستند چون آن را از خود می دانند. ایشان می فرمایند: همه ملت از دولتند و دولت هم از ملت است. دولت و هر چه متعلق به دولت است خدمتگزار ملت است و ملت هم پشتیبانی دولت و تا این هماهنگی میان قشرها هست، آسیب نخواهد دید این جمهوری اسلامی (صحیفه امام، ج ۱۹: ۶۶۹-۶۷۸). این نوع تعامل و جایگاه مردم در اندیشه امام خمینی (ره) منجر به این شد که در طول جنگ تحمیلی به راحتی تمام اقشار، پیر و جوان به ندای ایشان پاسخ بدهند و در ایثار برای کشور و انقلاب از هیچ چیزی دریغ نکنند. امام (ره) با شمردن تکالیف برای انواع و اقسام مردم مانند روحانیون، دانشجویان، نظامیان، کشاورزان، و توده مردم سعی به آگاه کردن مردم به تکالیفشان دارد. در نگاه امام خمینی (ره)، انسان بی تکلیف و بی مسئولیت در ابعاد فردی و اجتماعی هرگز وجود ندارد. تکالیف ممکن است حسب استعداد و توان متفاوت باشد اما این امر به معنای، تعلق داشتن تکلیف به یک فرد یا گروه خاص و مستثنی شدن فرد یا گروه دیگر از تکلیف گرایی نیست. از طرفی دیگر تعامل و گفتگو بی پیرایه رهبر با مردم منجر به تعامل و گفتگو بین خود مردم هم شد که در بخش بعدی بیشتر در مورد آن توضیح داده می شود.

## ۲-۴-۳- گفتگو مردم و مردم:

در دوران پس از انقلاب ائتلافی از تمامی نیروهای مخالف با شبه مدرنیسم پهلوی شکل گرفت. این ائتلاف بخش عمده ای از نیروهای سیاسی ایران را گرد هم آورد. اساس اصلی همان همکاری و ائتلافی بود که ضد رژیم گذشته در میان گروه های مختلف پیدا شده بود. این ائتلاف بخش عمده ای از نیروهای سیاسی ایران را به رهبری امام خمینی (ره) گرد هم آورده بود (ترابی، ۱۳۹۶: ۱۷).

بر این اساس در طول انقلاب همه مردم بر مبنای منویات و فرمایشات امام خمینی (ره) با هم در تعامل و گفتگو بودند و همین تعامل یکی از زمینه های اصلی پیروزی انقلاب اسلامی بود. امام (ره) می فرمایند: امروزی که همه با ما مخالفند، ما خودمان باید با هم باشیم، نمی گویم نیستیم که الآن... من در عین حالی که می گویم شما با هم هستید، می گویم بیشتر باشید، می گویم این را نگهش دارید. امروز همه با ما مخالفند، ما خودمان باید حفظ کنیم وحدتمان را، هر چه آنها خلاف کنند، ما وحدتمان باید قوی تر باشد، هر چه تبلیغات آنها زیاد بشود ما باید وحدتمان زیادتر بشود. آنها همه تبلیغات را برای این می کنند که اختلاف ایجاد کنند. آنها ایادیشان درهمه جا راه افتاده است برای اینکه در ایران خلاف ایجاد کنند (امام خمینی (ره)، ج ۱۸: ۱۷۳). امام در طول انقلاب و دفاع مقدس با بسیج اقشار مردم و ایجاد تعامل و گسترش گفتگو بین آنها از طریق ارزشهای انقلابی و اسلامی، نفی وابستگی و یا خودباختگی و دست نشانده گی نظام اسلامی را از بحران های داخلی و خارجی محافظت نمود. در این مسیر امام تمام بقا و آثار ضد ارزش و ضد مردمی قدرت سیاسی را نابود ساخت و سپس بر ویرانه های آن بنای مستحکم از ارزش ها را در تمام ابعاد که جامعه انسانی بدان نیازمند است برپا کرد (حاج حسن و هشتجین، ۱۳۹۷: ۲۵). امام محور تعامل و گفتگو را «اسلام» معرفی می کند و حتی از جمیع اشخاصی که انحرافی داشته اند می خواهد که به آغوش اسلام که ضامن سعادت آنان است برگردند که ما آنان را برادرانه می پذیریم. «چرا که در این موقع حساس که کشور ما بیش از هر زمانی به اتحاد و اتفاق احتیاج دارد باید سعی شود که از هر اختلافی احتراز شود» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۸۷)

در این مسیر امام خمینی (ره) هم همانند اولیای دین شاگردانی را تربیت کردند که این شاگردان در طول انقلاب و پس از آن به گفتگو با مردم می پرداختند و ضمن راهنمایی و هدایت آنان از مشکلات و مسائل اجتماعی جویا می شدند و به امام (ره) و یا دولتمردان می -

رساندند که برای آن چاره ای بیندیشند. از طرفی دیگر نهادهای غیردولتی که در این دوره ایجاد یا گسترش پیدا کردند خود زمینه گفتگو بین مردم فراهم کرد که این نهادها را می توان به شورای انقلاب اسلامی، کمیته های انقلاب اسلامی، مساجد، پایگاه های بسیج، راهپیمایی، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و نماز جمعه اشاره کرد. بنابراین بخشی از گفتگو مردم با مردم در این دوره از طریق نهادهای ذکر شده انجام گرفت. این نهادها به درستی نقش خود را در طول بحران های مختلف پس از انقلاب و بویژه جنگ تحمیلی ایفاء کردند و به همکاری و هماهنگی بیشتر میان مردم منجر شد و نوعی گفتگو میان مردم در دفاع ارزشهای دینی و دفاع از میهن و ایثار و شهادت شکل داده اند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

در دوره پس از انقلاب همچنین نهادهای جامعه مدنی هم مانند رسانه جمعی، احزاب و اتحادیه و اصناف شکل گرفتند که خود زمینه را برای گسترش عرصه اجتماعی در قالب نهادمند فراهم کردند. بنابراین در طول دوره انقلاب امام خمینی (ره) هم از طریق نهادی و هم مستقیم بین مردم گفتگو و تعامل ایجاد کرده است.

## ۲-۴-۴- گفتگو امام و نظام بین الملل:

در زمینه بین الملل هم مانند نظام اسلامی صدر اسلام اساس اندیشه ایشان بر تعامل و گفتگو بود. اما گفتگویی که بر اساس حفظ و گسترش ارزش های اسلامی و منافع ملی استوار است. بطور کلی راهبرد امام در جهت گفتگو و تعامل در عرصه بین الملل بر این مولفه ها استوار است: ۱- عدم اتکا به قدرتهای جهانی که در سیاست نه شرقی و نه غربی امام (ره) تجلی نموده است. ۲- نفی سلطه پذیری و سلطه گری ۳- حفظ کیان و تمامیت ارضی کشور و رعایت مصالح بلند مدت نظام. ۴- دعوت به ارزشهای توحیدی و مبانی اسلام ۵- دفاع از حیثیت و شرافت اسلام در مجامع بین المللی ۶- اظهار همدردی با مستضعفان جهان و دعوت از آنها به اتحاد با یکدیگر ۷- دعوت به اتحاد مسلمانان ۸- مبارزه راهبردی با رژیم اشغالگر قدس ۹- همزیستی مسالمت آمیز و برقراری رابطه عادلانه و دوستانه با کشورهای جهان و نفی انزواگرایی ۱۰- معرفی اسلام به عنوان دینی جامع، کامل و کاربردی (مزینانی، ۱۳۷۸: ۷۸).

از نظر امام خمینی (ره) اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را بی گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه می تواند با هم گفتگو کنند و علامتشان را گسترش دهند (صحیفه نور، ج ۱۷، ۸۶). در این بین نقش کشور محوری اسلام (ام القری) برای معرفی و اشاعه احکام، قوانین، فرامین و فرهنگ دین مبین اسلام در جهان به شیوه های مختلف و در مناسبتهای مختلف دارای اولویت می باشد که بایستی تلاش شود تا از طریق گفتگو، مفاهیم، تبلیغات، تألیف قلوب و ... کامل بودن و سعادت بخش بودن آن را انجام بدهد.

امام در جریان صدور انقلاب هم برگفتگو و تعامل تاکید دارند؛ ماکه می گوئیم انقلاب را می خواهیم صادر بکنیم می خواهیم این مطلب را همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران همین مسائلی که در ایران پیدا شده می خواهیم صادر بکنیم. ما نمی خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله بکنیم ما می خواهیم انقلاب فرهنگی مان را انقلاب اسلامی مان را به همه کشورهای اسلامی صادر بکنیم و اگر این انقلاب صادر شد مشکل حل است. حضرت امام معتقدند اگر اسلام آن طوری که هست و آن طوری که در قرآن و احکام اسلامی بیان شده است، معرفی شود در کشورهای اسلامی بخصوص در جمهوری اسلامی پیاده شود، جایگاه خود را پیدا خواهد کرد و نیازی به توپ و تانک ندارد (صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۷۷).

بطور کلی از نظر امام طرح اسلام برای نظام بین الملل، رسیدن به امت واحده جهانی است. بانگاهی اجمالی به هدف از خلقت انسان و بعثت انبیا و ارسال پیامبران الهی و امامان علیهم السلام مشخص می شود که انسان در جهت پرستش خدای یگانه خلق شده و رسولان الهی جهت نجات بشر از ظلمت و مسیر باطل فرستاده شده اند و این امر، خاص یک سرزمین یا قوم خاص نیست. بر این اساس، اقامه دین خدا، دعوت به همزیستی مسالمت آمیز، رفع ظلم و ستم، گسترش ارزشهای الهی - انسانی و برقراری قسط و عدل از اهداف اسلام در چارچوب امت واحده جهانی است (ستوده، ۱۳۸۲: ۲۰۷). چنانکه در نامه ایشان به گورباچف هم همین موارد نهفته است. بنابراین امام گسترش دین اسلام و ارزشهای انقلاب اسلامی و بدست آوردن منافع ملی را فقط در چارچوبی نرم افزاری و از طریق گفتگو و همکاری قابل انجام می دانست.

## ۲-۴-۵- گفتگو مردم و عرصه بین الملل:

براساس آموزه های امام خمینی (ره) ملت ها کارگزار اصلی روابط بین الملل محسوب می شوند و دولت ها به تبع ملت ها در راستای منافع و مصلحت آن ها معنی و مفهوم می یابند و حوزه روابط بین الملل براساس نفع جمعی تعریف می شود (حق گو، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۹۳). بنابراین فرد و جمع فرد و تعامل بین آنان دارای اولویت می باشد. در این بخش امام خمینی (ره) از یک طرف بر مناسک عبادی حج و زیارت ائمه برای تعامل افراد در عرصه بین الملل اشاره می کند و از طرف دیگر وظیفه هر فرد مسلمانی که در بیرون از مرزهای اسلامی بسر می برد شناساندن ماهیت دین اسلام به جهانیان است. امام خمینی (ره) از مهمترین دستاوردهای اسلامی قیام را ایجاد پیوند هر چه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکل آنها به عنوان یک نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرتها می داند (صحیفه نور، ج ۱۷: ۸۲).

امام در ارتباط با منازعات بین المللی بر بعد سرشت انسانی هم توجه دارند از منظر ایشان اساس روابط بین الملل را ترکیبی از دو حالت ثبات و آرامش و جنگ و منازعه تشکیل می دهد. به اعتقاد امام، اگر کارگزاران روابط بین الملل افرادی باشند که صرفاً به جنبه های حیوانی و تعلقات دنیایی اهتمام داشته و دارای روحیه پر خاشگری و ستیزه جویی اند، منازعه و جنگ در روابط بین الملل اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ اما در صورتی که این کارگزاران براساس معیارها و ضوابط اخلاقی و ارزشی عمل کنند، تلاش می ورزند تا روابطشان در سطح بین المللی دوستانه و عاری از تعارض و ستیز و همراه با تعامل و گفتگو باشد.

از نظر امام (ره) انقلاب اسلامی و ارزشهای دینی ضمن پیراستن سرشت انسانی، چنین عزتی به مسلمانان داده است که آنان با اعتماد به نفس در عرصه بین المللی حضور پیدا کند و هویت کامل مستقل و قدرتمندانه برای خود تلقی کنند (صحیفه امام، ج ۱۵: ۷۴). بنابراین از نظر امام افراد می توانند کنش و تعامل بین المللی داشته باشند و عرصه بین الملل از انحصار دولت خارج کرده و به نوعی بازیگران این عرصه را متنوع کرده است و کنش فرد در محدوده سرزمینی نمی گنجد. در روند انقلاب اسلامی افراد در قالب فردی و یا در شکل اتحادیه ها و تشکل ها به معرفی انقلاب اسلامی و به نوعی با گفتگو و مذاکره با هدف شناساندن ماهیت و مبانی انقلاب می پرداختند که اتفاقاً برخی از این تشکل ها و گروه ها نمایندگی امام خمینی (ره) را بر عهده داشتند.

بنابراین در مجموع هم در اندیشه امام خمینی (ره) حکمرانی در قالب و ساختاری اجتماعی و با مشارکت تمام بازیگران اجتماعی سازماندهی می شود که هدفش سعادت دنیوی و اخروی است و کارکرد و راهبری این ساختار از طریق نوعی گفتگو و همکاری سراسری حاصل می شود، چنانکه در طول دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می توانیم آن را مشاهده کنیم.

## نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات:

اگر چه حکمرانی اصطلاحی جدید است ولی دارای ریشه و سابقه ای دیرینه است و به نوعی به اداره امور عمومی فراتر از دولت یا حکومت منجر شده است. در این قالب دولت باماهیت و قالبی راهبردی در کنار دیگر بازیگران اجتماعی به تمثیت و راهبری امور توسعه می پردازند. حکمرانی در نظام سیاسی اسلام هم با خصوصیات ماهوی و با کارگزاری همه بازیگران اجتماعی به دنبال هدایت مردم به سعادت دنیوی و اخروی می باشد که این قالب در دوره های مختلف با توجه به شرایط اجتماعی باز تولید و بازنمایی شده است. اما در نظام حکمرانی و خاصه در اسلام حیات این نظام و دستیابی به هدف در چارچوبی اجتماعی و با تعامل و گفتگو بین بازیگران اجتماعی و نظام سیاسی شکل می گیرد. این چارچوب و یاسازه حکمرانی حتی هنگامی که نظام سیاسی هم شکل نمی گیرد در لوای اجتماعی و با همان هدف پیگیری می شود. چنانکه در دوره امام رضا (ع) چه هنگامی که ایشان منصب ولایتعهدی را داشتند و چه در قبل از آن چنین راهبردی را در نظر داشتند. در دوره انقلاب اسلامی هم امام خمینی (ره) با توجه به پیچیدگی شرایط اجتماعی چنین نظامی از دوره قبل از انقلاب اسلامی بازنمایی کردند و با پیروزی انقلاب اسلامی تمام سازه های حکمرانی شکل می گیرد و در این دوره برای تبیین ماهیت و کارکرد نظام سیاسی اسلامی، گفتگو و تعاملی سراسری شکل می گیرد.

اما با توجه به تجربه حکمرانی در نظام اسلامی و دوره امام رضا (ع) و همچنین بازنمایی موفقیت آمیز آن در دوره انقلاب اسلامی، نکات زیر قابل تامل است:

- در بخش نظام سیاسی پس از امام خمینی (ره) و در دوره رهبری حضرت آیت الله خامنه ای ایشان در راس نظام سیاسی و در ادوار مختلف به گفتگو و تعامل با تمام بخش های اجتماعی و حتی نظام بین الملل پرداخته است. اما این موضوع در دولت های مختلف به انحاء گوناگون فراموش شده و یا اگر هم گفتگویی شکل گرفته است، این گفتگو سراسری نبوده و یا ناقص است. بنابراین می بایستی دولت و تمامی بخش های نظام سیاسی و اجتماعی با هم تعامل و گفتگو داشته باشند و دولت مستقراز طریق گفتگو غالب خود به گفتگو مداوم با جامعه بپردازد که این خود می تواند به افزایش سرمایه اجتماعی و پیشرفت منتهی شود.

- برای شکل گیری گفتگوی سراسری و حتی با نظام بین الملل علاوه بر تعامل و گفتگو به شکل مستقیم می بایستی بر رسانه های جدید، فضای مجازی و همچنین نهادهای مدنی و محلی، مطبوعات که اتفاقا ظرفیت های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بالادستی پیش بینی شده است.

- در این ارتباط نقش صدا و سیما به عنوان تنها رسانه ملی بی بدیل است و می بایستی فرصت لازم برای ارائه نظرات و گفتگو بین تمامی نخبگان سیاسی و اجتماعی فراهم کند.

- دانشگاهیان و روحانیون و به نوعی قشر روشنفکر ایده و اندیشه های خود را انتشار و اعلان عمومی کند، چنانکه این فضای فکری و گفتگویی در دهه های قبل از انقلاب رواج داشته است.

- درارتباطات بین الملل علاوه بر نقش بی بدیل وزارت امور خارجه ودیپلماسی عمومی می بایستی بردیپلماسی فرهنگی و همچنین گفتگو ها وتعاملات فردی وگروهی هم به انحاء مختلف و از طریق سمینارها،همایش ها ویا شرکت در مناسک هم اشاره کرد.

-نهایتا در اداره امور عمومی دستگاه های اجرایی کشور همواره وظایف و ماموریت های خود را برای عموم تبیین کنند و بازخوردهای لازم ازمیزان رضایت مندی عملکرد خود را از دستگاه های اجرایی بدست آورند.

بنابراین راهبرد اصلی برای پیشبرد نظام حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی نوعی گفتگو سراسری بین تمام نیروها و بازیگران اجتماعی است.

#### منابع:

- امام خمینی،روح الله (۱۳۸۳)،صحیفه نور (۲۲ جلد)،تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه: قم: دآوری.
- اسفندیاری، مصطفی و مصطفی مهدوی آرا(۱۳۹۵)،آرمان شهر از منظر امام رضا(ع)، فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- اسماعیل زاده امامقلی،یاسر(۱۳۹۵)، نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا(ع)، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز.
- افتخاری،اصغر(۱۳۸۳)،مصلحت و شریعت،مبانی وجایگاه مصلحت در اسلام، انتشارات گام نو.
- امام جمعه زاده،سید جواد و محمود اوغلی(۱۳۹۳)،واکاوی مواضع سیاسی امام رضا(ع) در بحران های اعتقادی - سیاسی دوره (۱۳۸۳-۲۰۳ق)، فصلنامه فرهنگی رضوی، سال دوم، شماره ۵.
- امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)(۱۳۷۳). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آبراهامیان یرواند(۱۳۸۲)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی.
- بور، مارک(۱۳۹۷)، حکمرانی، مقدمه ای بسیار کوتاه، ترجمه عرفان مصلح و زهره کریمیان، تهران، نشر کرگدن.
- بوردو،ژرژ(۱۳۷۸)، لیبرالیسم،ترجمه تهران: نشرنی.
- پژوهشنامه تاریخ، سال ۷، شماره بیست و پنجم،۳۱-۱.
- حاتمی، محمدرضا، محمدرضا بیگی و سجاد رفیعیان(۱۳۹۸)، مهم ترین مولفه های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی



- امام رضا(ع)، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان.
- حاجی احمدی، محمد(۱۳۸۵)، مردم سالاری دینی در اندیشه امام خمینی، مجله انقلاب اسلامی، ش ۱۳، بهار ۸۵.
- حاجی حسن، ملیحه و زاهد هشتجین(۱۳۹۷)، مؤلفه های رهبری امام خمینی(ره) در فرآیند انقلاب اسلامی (با تأکید بر بُعد بنیانگذاری)، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی».
- حسینی فر، مریم(۱۳۹۵)، مبانی اندیشه و رفتار سیاسی امام رضا علیه السلام، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینیان روح الله(۱۳۹۷)، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حق گو، جواد(۱۳۹۰)، عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی و نظریه انتقادی روابط بین الملل، سال هشتم، پاییز.
- درخشه، جلال و سید مهدی حسینی(۱۳۹۴)، مؤلفه های سیاست ورزی در سیره امام رضا(ع)، فرهنگ رضوی، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان.
- درخشه، جلال، سید مهدی حسینی (۱۳۹۲) سیره سیاسی امام رضا(ع) در برخورد با حکومت جور(مطالعه مورد ولایتی)، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال اول، شماره اول، بهار.
- دلبری، شهربانو، زهرا زحمتکش(۱۳۹۶)، به کارگیری شیوه های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا(ع)، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۲، زمستان.
- رجبی، فاطمه و اعظم مطهری(۱۳۹۴)، سبک شناسی کلامی امام رضا، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های اعتقادی و کلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز.
- رفیع پور، فرامرز(۱۳۸۷)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زیا کلام، صادق(۱۳۸۲)، مقدمه انقلاب اسلامی، تهران انتشارات روزنه.
- سروی مجد، علی(۱۳۹۵)، تعاملات اجتماعی مطلوب در آموزه های امام رضا(ع) با تأکید بر نامه حضرت عبدالعظیم حسنی، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان.
- سلطانی نژاد، احمد(۱۳۹۶)، فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار.
- شویدلر، جیلیان(۱۳۷۹)، بنیادهای جامعه مدنی در خاورمیانه، تهران، موسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب.
- شیخ صدوق، ۱۳۹۶ق، عیون اخبار الرضا، جلد دوم، تهران انتشارات اسلامیه.
- صالحی، صغری(۱۳۹۵)، نقش مؤلفه های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا(ع)، سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار.
- صدوق(۱۳۷۲)، عیون اخبار الرضا، ترجمه علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران، صدوق.

صدوق، ابن بابویه (۱۳۷۲)، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، عیون اخبار الرضا (ع)، تصحیح و ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران، نشر صدوق.

ضمیری، عبدالحسین، (۱۳۸۸) حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه های سیاسی غرب، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

عجم اوغلو، دارون و جیمز رابینسون (۱۳۹۲)، چراکشورها شکست می خورند؟ سرچشمه های قدرت، فقر و غنا، کشورها، ترجمه پویا جبل عاملی و محمد رضا فرهادی، تهران، دنیای اقتصاد.

عطار، سعید (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰)، مبانی و اصول روابط بین الملل در اسلام، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره یکم، پاییز.

غنوی، امیر (۱۳۹۵)، طرح اندیشه مهدویت در کلام معصومان: امام کاظم و امام رضا، فصلنامه علمی - پژوهش مشرق موعود.

فقه الرضا (۱۴۰۶)، متسوب به امام رضا علی بن موسی، مشهد: موسسه آل بیت علیهم السلام.

فیرحی، داود (۱۳۸۴)، قدرت، گفتگو و نظام مشروعیت در اسلام، تهران، نشرنی.

قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۸۷)، صحیفه الرضا، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کریمی، محمود و محسن دیمه کار (۱۳۹۲)، مجموعه تفسیری امام رضا (ع)، مشهد، بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا (ع).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱ق)، اصول الکافی ج ۱ و ۸، مترجم: سید جواد مصطفوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، تهران،

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، بحار الانوار، ج ۱۴، تهران، اسلامیه.

محمدی ضیاء و لک زایی (۱۳۹۸)، تبیین ماهیت دولت نبوی و علوی: رویکردهای مفهومی، ساختاری و نظری، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار.

مزینانی، محمد صادق (۱۳۷۸)، رسالت سیاسی حوزه ها در اندیشه امام خمینی، فصلنامه حوزه، ش ۹۵ و ۹۴، دی ماه.

موثقی، سید احمد (۱۳۸۶)، گفتگو و توسعه، فصلنامه سیاست، سال ۳۷، شماره ۲، تابستان.

میر ترابی، سید سعید (۱۳۹۶)، تحلیل شیوه ها و ابعاد نهادسازی در روند ساخته شدن دولت پس از انقلاب از منظر نهادگرایی

تاریخی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۹، بهار.

نقیه، محمدرضا (۱۳۹۱)، سیاست اخلاقی در سیره امام رضا(ع)، فصلنامه علمی و ترویجی اخلاق، شماره ۶، تابستان.

Binder, Leonard (1989), **Islamic Liberalism**, Chicago & London: The University of Chicago press.

Goldstone. Jack (2001), "**Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory**", *Annu. Rev sci*, 4:x.x, Copyright 2001 by Annual Reviews.

Guga, Ayuba (2015), **Good Governance, A Key Drive to Sustainable Development in Nigeria**, International Journal of Education and Research.

Kaufmann, Daniel (2010), **The World wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues**, The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.

Plumptre, Tim & John Graham (1999), **Governance And Good Governance: International and Aboriginal Perspectives**, Institute On Governance, December 3.

Sapru, R.K. (2006), **Administration Theories & Management Thought**, Published by Prentice hall of India.

. UN-HABITAT, "**Global Campaign on Urban Governance: Concept Paper (2002)** Access in: [www.unhabitat.com](http://www.unhabitat.com).

**Kazantsev, A., (2012).** Policy networks in European–Russian gas relations: Function and dysfunction from a perspective of EU energy security, **Communist and Post-Communist Studies**, 45.